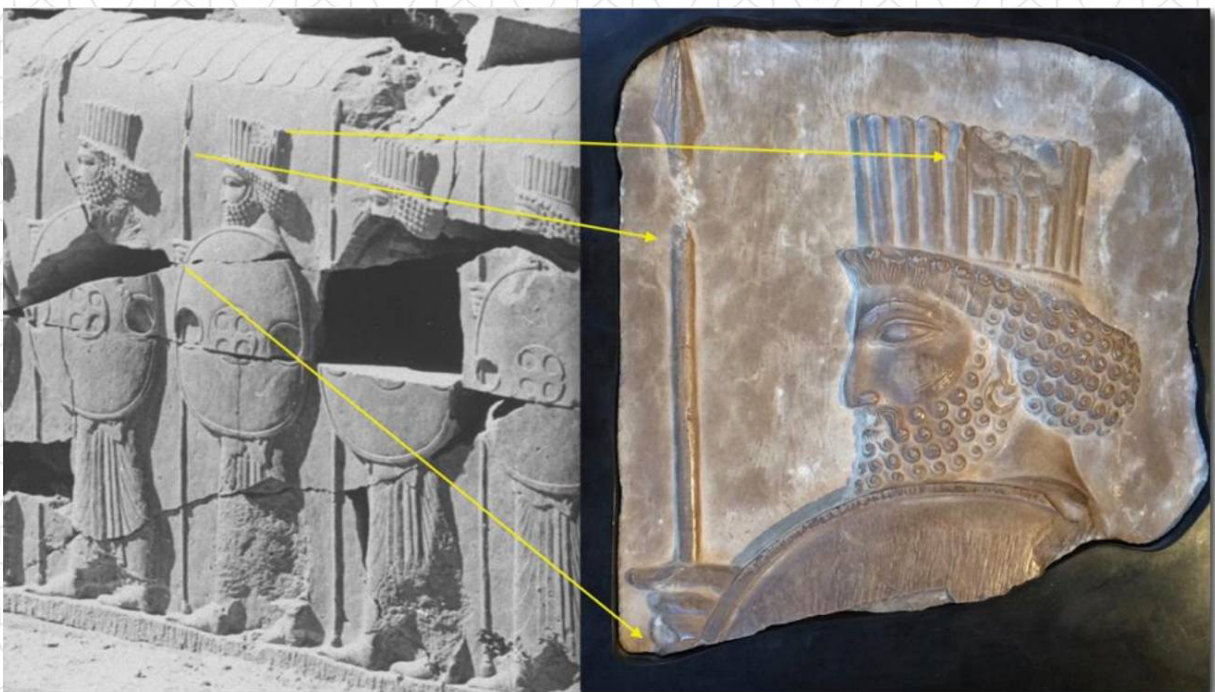


# بررسی چالش‌های استرداد اموال فرهنگی تاریخی کشور





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۸/۲۱

شماره مسلسل:

۲۱۱۴۶



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

### عنوان گزارش:

بررسی چالش‌های استرداد اموال فرهنگی تاریخی کشور

نوع گزارش: طرح / لایحه  راهبردی  نظارتی  پیش‌نویس قانونی

### نام دفتر:

مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

### تهیه و تدوین:

سوسن چراغچی

### مدیر مطالعه:

سعید شفیعا

### ناظر علمی:

موسی بیات

### ناظران علمی خارج از مرکز:

سجاد عسگری (مدیر کل معاضدت حقوقی و نظارت بر قراردادهای بین‌المللی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری)، مهرانوش فولادی (حقوقی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی)

### گرافیک و صفحه‌آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

### ویراستار ادبی:

مزگان کاظمی

### واژه‌های کلیدی:

۱. استرداد
۲. اموال تاریخی فرهنگی
۳. میراث فرهنگی

### تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۱/۱۵



## فهرست مطالب

چکیده	۶
خلاصه مدیریتی	۷
۱. مقدمه	۹
۲. پیشینه تاراج میراث فرهنگی ایران	۱۱
۳. رویه اجرایی استرداد	۱۴
۳-۱. بازگرداندن اشیاء از طریق همکاری‌های دیپلماتیک	۱۴
۳-۲. استرداد از طریق دادخواهی قضایی	۱۵
۴. چالش‌های قانونی استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران	۱۷
۵. چالش‌های ناشی از فقدان قوانین لازم در امر استرداد	۲۰
۶. چالش‌های استرداد در حوزه اجرایی	۲۲
۷. استرداد اموال فرهنگی تاریخی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل	۲۶
۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۲۷
منابع و مأخذ	۳۰

## فهرست شکل

شکل ۱. یک قطعه از آجرهای لعابدار قلاچی - مسترد شده در سال ۱۳۹۹	۱۶
--	----



## بررسی چالش‌های استرداد اموال فرهنگی تاریخی کشور

### چکیده



استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران، یکی از موضوع‌های مهم حوزه میراث فرهنگی کشور است. در دهه‌های گذشته مقادیر نسبتاً قابل توجهی اشیای فرهنگی تاریخی ایرانی مسروقه یا حاصل از حفاری غیرمجاز، در چارچوب همکاری‌های دیپلماتیک از جمله با کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیرویت<sup>۱</sup> و همچنین از طریق دادخواهی‌های قضایی نزد محاکم کشورهای مبدأ به ایران بازگردانده شده است. با این وجود این مقدار، قابل مقایسه با حجم کثیری از آثار ایرانی که در تصرف مجموعه‌های خصوصی، موزه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی کشورهای خارجی نیست. این موضوع ناشی از برخی چالش‌های قانونی و ضعف اقدام در حوزه اجرایی موجود در این زمینه و همچنین نبود قواعد بین‌المللی مساعد در امر استرداد اموال فرهنگی تاریخی است که قبل و حتی پس از تصویب قوانین حمایت از میراث فرهنگی در ایران، از کشور خارج شده‌اند. گزارش حاضر ضمن بررسی پیشینه و چالش‌های قانونی و برخی کمبودهای اجرایی موجود، پیشنهادهایی در جهت رفع کاستی‌های قانونی و اجرایی، تشکیل کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران با تفویض اختیارات برنامه‌ریزی و نظارت بر امور استرداد به آن، در قالب تصویب یک ماده واحده ارائه می‌کند. مشارکت و همکاری وزارت امور خارجه در راستای ایجاد همسویی و همکاری میان کشورهای صاحب تمدن کهن، تشکیل یک شبکه جهانی هماهنگ با هدف تغییر قواعد بین‌المللی موجود در زمینه استرداد اموال فرهنگی تاریخی و همچنین امکان‌سنجی اصلاح کنوانسیون ۱۹۷۰ در سطح بین‌المللی پیشنهادهای دیگر این گزارش است.

۱. کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده (۱۹۹۵).



## ■ بیان / شرح مسئله

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، اقدام‌هایی در امر استرداد اموال فرهنگی تاریخی، به‌عنوان یک وظیفه حاکمیتی این وزارت<sup>۱</sup> مبذول داشته است. با این حال، اقدام‌های انجام شده متناسب با حجم وسیع اموال به سرقت رفته ایرانی موجود در خارج از کشور نیست و در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد.

با اینکه مقادیر نسبتاً قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایرانی در دهه‌های گذشته به کشور بازگردانده شده‌اند اما هنوز حجم کثیری از اموال ارزشمند فرهنگی تاریخی ایرانی در اختیار بیشتر موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی، مؤسسات علمی پژوهشی و آموزشی کشورهای جهان، به‌ویژه اروپا و آمریکا قرار دارد.

## ■ نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

● از جمله موانع قانونی استرداد اموال ایرانی، وضع قانون مربوط به حفظ آثار ملی در سال ۱۳۰۹ است زیرا طی این قانون، به هیئت‌های کاوش باستان‌شناسی خارجی اجازه داده شد تا اشیای مکشوفه از کاوش‌ها در محوطه‌های باستان‌شناختی ایران را میان خود و دولت وقت تقسیم کرده و اشیای سهم خود را از کشور خارج کنند. لذا طرح ادعای ایران نسبت به این دسته از اموال که متأسفانه به‌صورت قانونی از کشور خارج شده‌اند، نزد محاکم کشورهای محل وقوع فعلی این اموال مسموع نیست.

● قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب سال ۱۳۵۳، بدون در نظر گرفتن حق شرط بر ماده (۴) این کنوانسیون، مالکیت کشورهای مقصد بر اموال فرهنگی تاریخی ایرانی که توسط هیئت‌های باستان‌شناسی این کشورها کسب شده و از ایران خارج شده‌اند و یا اموال ایرانی که به‌صورت هدیه دریافت کرده‌اند را تأیید کرده است. لذا از این نظر نیز طرح هرگونه ادعا راجع به این بخش از اموال که به‌صورت قانونی از کشور خارج شده و با الحاق کشورمان به کنوانسیون مذکور، مالکیت دارندگان فعلی بر آنها تأیید شده است، از جانب محاکم کشورهای مقصد، مسموع نیست.

● در برخی موارد که این احتمال وجود دارد که اموال خارج شده توسط هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی، افزون بر سهم ایشان و با تخلف از قانون ۱۳۰۹ از ایران خارج شده باشند، طرح هرگونه ادعا نزد محاکم کشورهای محل وقوع، مستلزم ارائه اسناد و مدارک مثبت خروج غیرقانونی اموال از کشور است.

● علاوه بر اموالی که با مجوز و یا با تخلف از قانون ۱۳۰۹ از کشور خارج شده‌اند، بخش قابل توجه دیگری از اموال ایرانی، چندین دهه پیش از تصویب قانون ۱۳۰۹ و تصویب قانون الحاق کشور به کنوانسیون ۱۹۷۰، صرفاً با کسب اجازه سلاطین قاجار، مقامات و حکام محلی از کشور خارج شده و به موزه‌های خارجی منتقل شدند.<sup>۲</sup> در این زمان، قواعد بین‌المللی در راستای مذموم شناختن انتقال و تصاحب اموال فرهنگی

۱. طبق بند «۸» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، «اقدام‌های لازم جهت شناسایی و استرداد اموال فرهنگی ایران در سطح ملی و بین‌المللی از طریق مراجع ذی‌ربط» تکلیف وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی است. این وزارت، اقدام‌های موردنظر را با واسطه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و شعب آن در خارج از کشور و با کمک و همیاری سایر مراجع ذی‌ربط به‌ویژه وزارت امور خارجه انجام می‌دهد. در نتیجه این تلاش و همیاری گروهی در دهه‌های گذشته، مقادیر قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایرانی به کشور بازگردانده شده‌اند.

۲. نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران در سال ۱۸۴۹ توسط باستان‌شناس انگلیسی به نام ویلیام کنت لوفتوس در ویرانه‌های شوش آغاز شد و این کاوش‌ها تا سال ۱۸۵۱ در این پایتخت شکوهمند عیلامی ادامه یافت. توصیفات لوفتوس از این محوطه باستانی گسترده، توجه باستان‌شناسان فرانسوی را به ایران و شوش جلب کرد، لذا آنان کوشیدند تا پیش از انگلیسی‌ها نظر موافق شاه قاجار را برای کسب امتیاز حفاری در شوش به دست آورند. در سال ۱۸۸۴ ناصرالدین شاه طی قراردادی، انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی را به فرانسه واگذار کرد. با وجود نقض مفاد قرارداد از سوی دیو لافوا، معمار و سرپرست هیئت کاوش فرانسوی و انتقال بدون مجوز کلیه آثار به دست آمده به فرانسه توسط این هیئت، در سال ۱۸۹۵ قرارداد دیگری میان ناصرالدین شاه و دولت فرانسه منعقد شد و در آن علاوه بر اعطای «امتیاز انحصار اکتشاف آثار قدیمه در تمام مناطق ایران»، بار دیگر امتیاز تقسیم مساوی اموال حاصل از کاوش‌ها میان طرفین به فرانسه داده و اجازه حفاری در سراسر ایران را به باستان‌شناسان این کشور اعطا شد. در سال ۱۹۰۰ طی قرارداد دیگری با امضای مظفرالدین شاه قاجار، این امتیاز دائمی و به فرانسه اجازه داده شد تا مجموعه‌ای متشکل از عتیقات ایرانی را جهت نمایش در موزه لوور ایجاد کند. به دنبال گسترش آگاهی‌های عمومی سرانجام در مهر ماه ۱۳۰۶، امتیاز انحصاری فرانسه در زمینه باستان‌شناسی در ایران توسط دولت ایران لغو شد.



تاریخی کشورها - که موجب فقر میراث فرهنگی ملت‌های جهان می‌شود - و لزوم استرداد این اموال به کشورهای مبدأ به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی آنها موجود نبوده است تا بتوان با استناد به این قواعد نزد محاکم بین‌المللی طرح دعوی استرداد را مطرح کرد. لذا از این نظر نیز کاستی‌های بین‌المللی وجود دارد.

● در خصوص ادعای استرداد آن دسته از اموالی که در دهه‌ها و یا سده‌های پیشین و حتی در حال حاضر، در نقض قوانین و مقررات ایران راجع به ممنوعیت سرقت و قاچاق اموال فرهنگی تاریخی<sup>۱</sup> صورت گرفته و به‌واسطه وجود اسناد و مدارک مثبت از طرف محاکم بین‌المللی مسموع هستند، نیز اقدام کافی به عمل نیامده است.

### ■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

از آنجایی که تجربه عملی استرداد در دهه‌های اخیر، حاکی از نبود کفایت لازم در زمینه توجه و اقدام‌های اجرایی توسط صرفاً یک دستگاه اجرایی متولی در این خصوص است، با توجه به اهمیت ملی موضوع استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران، پیشنهاد می‌شود:

۱- امکان سنجی اصلاح قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی، مصوب سال ۱۳۵۳ با رویکرد اعلام حق شرط بر ماده (۴) این معاهده از جانب وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی صورت گیرد. استفاده از رویه مرسوم در سایر معاهدات مرتبط در این زمینه سودمند است.<sup>۲</sup>

۲- ماده واحده تشکیل کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی مسروقه و به‌طور غیرقانونی خارج شده از کشور، تحت نظارت ریاست جمهوری، تصویب شود.

۳- همچنین پیشنهاد می‌شود، انجام اموری چون پایش منظم حراج‌های بین‌المللی اموال فرهنگی تاریخی ایرانی، تشکیل و روزآمدسازی پایگاه اطلاع‌رسانی اموال فرهنگی تاریخی مسروقه و قاچاق شده ایرانی و بایگانی‌های مدارک و مستندات این گونه اموال توسط دبیرخانه این کارگروه و با کمک و هماهنگی وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، انجام می‌شود.

۴- بررسی نظام‌مند و منسجم در خصوص امکان سنجی ایجاد قواعد بین‌المللی توسط سازمان‌های بین‌المللی یا به‌واسطه تصویب قطعنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی به نفع استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی با همکاری همه کشورهای صاحب تمدن که قربانی غارت میراث فرهنگی خود هستند توسط دستگاه دیپلماسی کشور - وزارت امور خارجه پیشنهاد دیگر این گزارش است.

۱. ماده شانزدهم قانون راجع به حفظ آثار ملی، حفاری بدون اجازه و اطلاع دولت و قاچاق اموال آثار ملی را جرم انگاری کرده است. «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد». مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب و مواد (۵۶۱ و ۵۶۲) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه و اقدام به قاچاق را جرم شناخته‌اند.

۲. مطابق ماده واحده قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۸۷ «با توجه به بند «۵» ماده (۲۵) آن به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با انتخاب روش داور موضوع جزء «پ» بند «۱» ماده (۲۸۷) کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲) میلادی مطابق با (۱۳۶۰) هجری شمسی اسناد تصویب کنوانسیون را تودیع کند».

## ۱. مقدمه

امروزه در کشور ایران توجه ویژه‌ای به استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه به کشور، خواه از طریق همکاری‌های دیپلماتیک و در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی ذی‌ربط و خواه از طریق پیگیری‌های حقوقی یا دادخواهی‌های بین‌المللی مبذول می‌شود. از زمان تشکیل [سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۷](#) تا کنون، موارد گوناگونی از دادخواهی‌های بین‌المللی توسط این سازمان و به واسطه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و شعب خارجی آن مرکز، با درخواست استرداد اموال ایرانی نزد محاکم یا مراجع کشورهایی چون بلژیک، انگلستان، سوئیس و آمریکا صورت گرفته و غالباً تصمیم یا رأی به نفع ایران صادر شده است. از جمله این آرا عبارت‌اند از: رأی دادگاه عالی انگلستان به استرداد ۱۸ قلم اشیای مسروقه جیرفت در اختیار گالری برکت به ایران، رأی به بازگرداندن ۳۴۹ قطعه اشیای خوروبین به ایران توسط دادگاه استیناف شهر لیویز بلژیک و همچنین تصمیم دادگاه عالی نیویورک به تحویل سنگ برجسته منقوش به سرباز هخامنشی تخت جمشید به دولت ایران، رأی به رفع توقیف الواح برج و باروی تخت جمشید توسط دادگاه عالی آمریکا در اسفند ۱۳۹۶.

آرا محاکم کشورهای مقصد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی به نفع ایران، نه تنها به بازگرداندن اموال ایرانی به کشور منجر شده است، بلکه با ایجاد یک رویه قضایی، می‌تواند مرجع استناد توسط محاکم سایر کشورها در دیگر پرونده‌های دادخواهی ایران جهت استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه و قاچاق شده شود. همچنین، فضای روانی ایجاد شده توسط این آرای موافق، دلالت و مؤسسات حراج اموال تاریخی و هنری بین‌المللی را در معاملات غیرقانونی اموال ایرانی دچار تأمل و تردید می‌کند تا با احتیاط بیشتری نسبت به خرید و فروش اموال با منشأ ایرانی اقدام کنند.

با این حال، هنوز بخش قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی ایرانی در اختیار مجموعه‌داران خصوصی، موزه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی کشورهای دیگر قرار دارد. در کنار این، برگزاری حراج‌های متعدد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی حاصل از حفاری‌های غیرمجاز، در حال حاضر گواهی بر تداوم جرائم میراث فرهنگی شامل سرقت، خرید و فروش غیرمجاز و حفاری غیرمجاز به قصد کشف اشیای فرهنگی تاریخی، قاچاق اموال مکشوفه به خارج از کشور است. اقدام‌های استرداد توسط وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی - که تنها مرجع قانونی این امر است<sup>۱</sup> - در مقایسه با این حجم کلان از اموال ایرانی واقع در خارج از مرزهای ایران و حراج‌های متعدد، کافی و وافی نیست. این موضوع تا حدود زیادی به دلیل مجوز قانونی قبلی توسط [قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹](#) [۱] است که خارج کردن اموال فرهنگی تاریخی ایران توسط هیئت‌های کاوش باستان‌شناسی را مجاز شمرده بود. در نتیجه ادعای ایران نسبت به اموالی که با این مجوز از کشور خارج شده بودند، از سوی محاکم خارجی مسموع نیست. زیرا طبعاً هیچ امر غیرقانونی در خارج کردن این اموال از کشور مبدأ صورت نگرفته است.

الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۷۰ نیز، در برخی موارد، یکی دیگر از موانع استرداد عتیقات (اموال فرهنگی تاریخی) ایرانی است. زیرا ماده (۴) این معاهده، اموالی که توسط هیئت‌های باستان‌شناسی از کشورهای مبدأ خارج شده‌اند را بخشی از میراث فرهنگی متعلق به کشورهای دارنده فعلی می‌شمارد.<sup>۲</sup> قانون الحاق ایران به این معاهده مصوب سال ۱۳۵۳، بدون حق شرط بر ماده (۴)،

۱. طبق بند «۸» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۷، «اقدام‌های لازم جهت شناسایی و استرداد اموال فرهنگی ایران در سطح ملی و بین‌المللی از طریق مراجع ذی‌ربط» به عهده این سازمان است. آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۸۱ شورای امنیت کشور، انجام امور استرداد توسط این سازمان با همکاری مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و همچنین وزارت امور خارجه و البته با تصریح بر ایجاد کمیته ملی استرداد جهت هماهنگی و سیاست‌گذاری در این خصوص (ماده ۲۳) را مورد تأکید قرار داده است.

۲. قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۷ آذر ماه ۱۳۵۳، «دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر می‌پذیرند که بر حسب مفاد این کنوانسیون، اموال فرهنگی مربوط به انواع زیر، جزئی از میراث فرهنگی هر کشور تشکیل می‌دهند: الف) اموال فرهنگی که مولود نبوغ فردی یا جمعی اتباع دولت مورد نظر اهمیت دارند و در قلمرو آن کشور به وسیله اتباع خارجی یا اشخاص بدون تابعیت مقیم در آن کشور، خلق شده‌اند. ب) اموال فرهنگی که در قلمرو ملی یافته شده‌اند. ج) اموال فرهنگی که به وسیله هیئت‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی یا علوم طبیعی با موافقت مقامات صلاحیت‌دار کشور مبدأ این اموال به دست آمده‌اند. د) اموال فرهنگی که موضوع مبادلات آزادانه مورد توافق بوده‌اند. ه) اموال فرهنگی که به صورت هدیه دریافت یا با موافقت مقامات صلاحیت‌دار کشور مبدأ این اموال، به‌طور قانونی خریداری شده‌اند.»



نوعی مهر تأیید بر این بخش از کنوانسیون است. لذا به موجب این قانون نیز، هر گونه ادعای مالکیت و درخواست استرداد از جانب ایران نسبت به اموالی که توسط هیئت‌های باستان‌شناسی با مجوز قانون ۱۳۰۹ یا اجازه مقامات دولتی وقت از کشور خارج شده و به کشورهای عضو مبدأ وارد شده‌اند، از جانب دولت‌ها و محاکم ایشان مردود قلمداد می‌شود.<sup>۱</sup>

اما صرف نظر از این بخش، طرح دعوی نسبت به سایر اموالی که بدون مجوز قانون ۱۳۰۹ یا اجازه مقامات دولتی و به صورت غیرقانونی تحصیل شده و به شیوه قاچاق از کشور خارج شده‌اند نیز با چالش‌هایی روبه‌روست. زیرا برای این موارد باید اولاً ایران از نحوه تحصیل و نیز محل وقوع این اموال با تمام اطلاعات و جزئیات مربوطه مطلع باشد و سپس مدارک و مستندات کافی جهت ادعای خود مبنی بر سرقت و خروج غیرقانونی این اموال از کشور به محاکم خارجی ارائه کند. مانع بعدی آن است که حتی در صورت اثبات غیرقانونی بودن خروج این گونه اموال از کشور، در برخی موارد، خریدار و دارنده فعلی شیء ادعای حسن نیت کرده و خواهان جبران خسارت یا پرداخت وجه شیء از جانب مدعی یعنی ایران است. «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی بکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده» مصوب سال ۱۳۷۹ بر این موضوع صحه گذارده است. با توجه به موانع قانونی موصوف، هر گونه دعوی قضایی نسبت به اموال مورد نظر، با وجود صرف هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله‌های گزاف، محکوم به شکست خواهد بود.

مشکلات استرداد اموال ایرانی محدود به چالش‌های قانونی نیست بلکه برخی کاستی‌ها در حوزه اجرایی نیز محدودیت‌هایی در این زمینه ایجاد می‌کند. نبود اطلاع وزارت میراث‌فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، استرداد اموال فرهنگی تاریخی به تاراج رفته ایران، از محل وقوع این اموال در هر یک از کشورهای خارجی و نبود بایگانی‌های اسناد مربوط به این اموال از این جمله‌اند. با این حال، امروزه امر استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی در کشور، از اهمیت بسیاری برخوردار است و حتی می‌توان مدعی شد که این موضوع بدل به یک حساسیت ملی شده است. امروز کلیت جامعه ایرانی از این موضوع آگاه است که بخشی از اشیای فرهنگی تاریخی ایرانی و یا بخش‌های جدا شده از اماکن فرهنگی تاریخی ایران در اختیار موزه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی کشورهای جهان قرار دارند که تنها برخی از آنها شامل موزه بریتانیایی لندن (بریتیش میوزیوم)، لوور پاریس، متروپلیتن نیویورک، آرمیتاژ سن پترزبورگ، مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، موزه هنرهای زیبا بوستون و دانشگاه‌های پنسیلوانیا و هاروارد آمریکا، موزه رویال اونتاریو کانادا و موزه‌های میهو و توکیو ژاپن هستند.

با توجه به این حساسیت عمومی و آگاهی از قرار داشتن حجم کثیری از اشیای ارزشمند ایرانی در اختیار موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی و مؤسسات علمی پژوهشی کشورهای خارجی و نظر به همه عوامل بر شمرده شده فوق‌الذکر، امروزه جامعه ایرانی با این پرسش‌های جدی روبه‌روست که آیا اقدام‌های وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای استیفای حق مردم ایران نسبت به اموال میراث‌فرهنگی ایشان در همه ابعاد اجرایی، قضایی داخلی و بین‌المللی، و اصلاحات قوانین مرتبط، کافی بوده و هست یا در این زمینه‌ها کاستی وجود دارد؟ اساساً تجارب موفق ایران در دادخواهی بین‌المللی که به استرداد اموال ایران به کشور منجر شده‌اند، چه مواردی هستند و آیا مستندسازی و اطلاع‌رسانی لازم در خصوص آنها انجام شده است؟ تا چه میزان، امکان استرداد تمام یا بخشی از اموال ایرانی که به خصوص پیش از تصویب قانون ۱۳۰۹ از کشور خارج شده و امروز در تصرف موزه‌ها، مجموعه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشورهای خارجی هستند، به ایران وجود دارد؟ در صورتی که پذیرش دارندگان فعلی این اموال نسبت به بازگرداندن آنها به کشور مبدأ مهیا نیست، تا چه میزان آمادگی همکاری بین‌المللی برای بهره‌مند کردن ایران از منافع مادی یا معنوی ناشی از تصرف و نگهداری آثار ایرانی وجود دارد؟ آیا امکان تغییر قواعد حقوق و روابط بین‌الملل در راستای استرداد اموال میراث‌فرهنگی کشورهای مبدأ به خصوص با همکاری کشورهای صاحب تمدن که قربانی تاراج میراث‌فرهنگی خود هستند، وجود دارد؟

۱. این احتمال وجود دارد که انصراف از عضویت در این کنوانسیون با دست کم حق شرط بر ماده (۴) - در مورد برخی پرونده‌های استرداد و بسته به شرایط و ماهیت پرونده - در سرنوشت آرا به نفع ایران اثرگذار باشد. اما نباید از نظر دور داشت که تداوم عضویت کشور در این معاهده، فواید و مزایایی برای استرداد اموالی که پس از الحاق کشور بدان معاهده از ایران خارج شده‌اند دارد.

## ۲. پیشینه تاراج میراث فرهنگی ایران

اموال فرهنگی تاریخی کشورهای صاحب تمدن کهن، در سده‌های اخیر تحت تأثیر عواملی چون نفوذ یا سلطه استعمار، ناآگاهی‌های عمومی جامعه نسبت به ارزش‌های اشیای عتیقه از یک سو و طمع و تقاضای روزافزون طرف‌های خارجی و بیشتر باستان‌شناسان، برای دستیابی به اشیای عتیقه متعلق به این کشورها از سوی دیگر، در معرض خطر غارت، سرقت و قاچاق قرار داشته‌اند. فقدان یک نظام حقوقی کارآمد که در آن میراث فرهنگی به‌عنوان ثروت عمومی غیرقابل واگذاری جوامع ارزش‌گذاری شده باشد یا فقدان اجرای قوانین مرتبط به این وضعیت دامن زده است.

ایران نیز از زمان صفویه تا اوایل سده پیشین، در معرض این تهاجم بزرگ قرار داشت و بسیاری از اشیای عتیقه ارزشمند و بی‌بدیل ایرانی، توسط نیروهای مهاجم بیگانه<sup>۱</sup>، سیاحان و گاه دیپلمات‌های خارجی و به‌ویژه باستان‌شناسان خارجی، از کشور خارج شد. این کشور در میانه سده نوزدهم میلادی یعنی سرآغاز هجوم باستان‌شناسان خارجی به محوطه‌های تاریخی کشور تا سال ۱۳۰۹ (برابر با ۱۹۳۰)، فاقد نظام حقوقی حمایت از میراث فرهنگی و مبارزه با سرقت و قاچاق این گونه اموال بود. در این دوره تاریخی، کاوش‌های محوطه‌های باستانی و خارج کردن اشیای عتیقه مکشوفه از آن محوطه‌ها از کشور توسط باستان‌شناسان خارجی و با کسب اجازه از جانب سلاطین و حاکمان محلی وقت صورت گرفت. این تاراج گسترده عموماً با توسل به نفوذ استعمارگران غربی بر کشور و حمایت دولت‌های متبوع ایشان با سوءاستفاده از ناآگاهی‌های عمومی و ضعف و بی‌کفایتی شاهان و برخی حکمرانان محلی نسبت به اهمیت نگهداشت میراث فرهنگی به‌عنوان ثروتی متعلق به عموم مردم ایران رخ داد.

نخستین قانون صیانت از میراث فرهنگی ایران، قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹، در حالی که تصویب مجلس شورای ملی رسید، که چندین دهه پیش از آن، مقادیر قابل توجهی از اشیای فرهنگی تاریخی نفیس و منحصر به فرد ایران توسط باستان‌شناسان فرانسوی و با اعطای امتیاز انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی توسط حکومت ایران به دولت فرانسه از کشور خارج شده بود.<sup>۲</sup> قانون ۱۳۰۹ در دوره پس از تصویب نه تنها کفایت لازم را برای جلوگیری از انتقال اموال عتیقه ایران از کشور نداشت بلکه حتی خود، دلیل و عامل خارج شدن بخش قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی ایران از کشور شد. به موجب این قانون که خود محصول رقابت ارنست هر ترفلد آلمانی تبار و «هیئت علمی فرانسوی در ایران» متأثر از رقابت‌های سیاسی دولت‌های متبوع آنان بر سر ایران بود،<sup>۳</sup> کاوش علمی و تجاری توسط باستان‌شناسان خارجی - با نظارت دولت - و تسهیم اموال به دست آمده از این کاوش‌ها مجاز شناخته شد. گویی مطابق این قانون، بیگانگان نیز سهمی از فرهنگ و هویت ملت ایران داشتند. افزون بر این، بنابر مفاد قانون ۱۳۰۹ هیئت‌های کاوش باستان‌شناسی اجازه یافتند تا سهم خود از اموال به دست آمده از کاوش‌ها را از کشور خارج کنند. اکنون دیگر تاراج ثروت‌های فرهنگی متعلق به یک ملت، به‌صورت کاملاً قانونی صورت می‌گرفت. ضمن اینکه باستان‌شناسان خارجی، (عمدتاً آمریکایی) با توجه به اشراف تخصصی به موضوع، از میان اموال به دست آمده از حفاری‌ها، بهترین و

۱. در سال ۱۸۲۸ در جریان اشغال ایران توسط نیروهای مهاجم روسیه تزاری، همه کتاب‌های خطی نفیس کتابخانه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی واقع در اردبیل توسط ارتش روس از این کتابخانه خارج شده و به روسیه منتقل شد. گفته می‌شود این نسخ خطی ارزشمند در حال حاضر در کتابخانه‌ای واقع در شهر سن پترزبورگ نگهداری می‌شوند. در سال‌های گذشته بررسی‌های نیمه تمام از جانب واحد حقوقی سازمان میراث فرهنگی کشور با همکاری وزارت امور خارجه در راستای امکان استرداد این گنجینه ارزشمند به کشور انجام شد اما اقدام قابل توجهی در جهت طرح موضوع استرداد نزد مقامات کشور روسیه صورت نگرفت. ممکن است ادعا شود که کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو یکی از موانع اصلی در جهت استرداد کتاب‌های ارزشمند بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به ایران است. اما طرح این موضوع صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا این مجموعه نفیس از میراث فرهنگی ایران، در نتیجه اشغال نظامی سرزمین ایران توسط قوای مهاجم روس از کشور خارج شده است. این در حالی است که ماده (۴) کنوانسیون مذکور تنها آن دسته از اموال فرهنگی که به شیوه‌هایی چون هدیه یا موافقت مقامات صلاحیت‌دار کشور دریافت شده یا به وسیله هیئت‌های کاوش باستان‌شناسی از کشورها خارج شده‌اند را میراث فرهنگی کشورهای محل وقوع فعلی به رسمیت می‌شناسد. لذا کتاب‌های خطی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی که به شیوه‌ای خصمانه و بدون رضایت مقامات وقت کشور از ایران غارت شده و به روسیه انتقال یافته‌اند، مشمول ماده (۴) کنوانسیون ۱۹۷۰ نیست.

۲. در سال ۱۳۰۶ «امتیاز انحصار اکتشاف آثار قدیمه در تمام مناطق ایران» که توسط ناصرالدین شاه به دولت فرانسه اعطا شده و از جانب مظفرالدین شاه تمدید شده بود، از جانب دولت ایران لغو شد. با این حال، موافقت فرانسه با این پایان انحصار مشروط به موافقت دولت ایران با ایجاد کتابخانه و موزه با ریاست یک فرد فرانسوی به مدت پنج سال و تمدید قرارداد وی تا سه دوره دیگر، بود. بدین ترتیب اگر چه این توافق، به انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی فرانسویان در ایران پایان داد اما با ریاست‌اندره گدار فرانسوی بر موزه ملی و اداره حفاریات، نفوذ فرانسویان بر فعالیت‌های باستان‌شناسی ایران ادامه یافت. نک: کریم‌لو، داود، تاراج میراث ملی ایران، (۱۳۸۱)، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، جلد دوم، ص ۴۲.

2. Ernst Herzfeld and The Development Of Near Eastern Studies, 1900-1950, Rémy Bouchariat, p.429.



نفیس‌ترین اشیاء را به‌عنوان سهم خود در نظر می‌گرفتند [۱۲] و از این منظر نیز کشور دچار فقر میراث‌فرهنگی شد.

از آنجایی که یکی از اهداف تصویب قانون ۱۳۰۹، اعطای امتیاز کاوش در تخت جمشید به مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بود<sup>۱</sup> از این پس، عمده فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران به سرپرستی آمریکایی‌ها از جمله در تخت جمشید، اما با نظارت آندره گدار فرانسوی، صورت می‌گرفت. در مواردی نیز هیئت کاوش مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، از دولت ایران سهم خواهی بیشتری داشت. به‌رغم تأکید دولت وقت ایران بر اینکه اشیای به دست آمده از تخت جمشید قابل تسهیم نیست اما مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو به پشتوانه حمایت‌های وزارت امور خارجه و دولت آمریکا نسبت به دریافت برخی از اشیاء و سنگ برجسته‌های نفیس تخت جمشید به دولت ایران اصرار می‌کرد.<sup>۲</sup>

زیاده‌طلبی هیئت کاوش آمریکایی، محدود به این نبود و با کشف گل‌نشته‌هایی موسوم به الواح تخت جمشید، خواستار دریافت امانی این کتیبه‌ها شد. این کتیبه‌های گلی منقوش به نقش، نگارها و خطوط میخی، سهم دولت ایران از کاوش‌های تخت جمشید (انجام شده توسط ارنست هرزفلد) بودند با این حال مؤسسه شرقی باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو از دولت ایران درخواست کرد تا این کتیبه‌ها جهت مطالعات علمی و خوانش نقوش و خطوط آنها به آمریکا انتقال یابند. وزارت معارف ایران با درخواست مؤسسه موافقت کرد و الواح به‌طور امانی به آمریکا انتقال یافت. طبق توافقات فی‌مابین دولت ایران و مؤسسه شرقی باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو کتیبه‌های موردنظر باید، پس از انجام مطالعات رمزگشایی و خوانش، به ایران بازگردانده شود. با این وجود فرایند بازگرداندن این امانت ارزشمند به خاستگاه خود، با فراز و نشیبی طولانی همراه شد و اکنون با گذشت نه‌دهه از زمان خارج شدن الواح تخت جمشید از کشور، هنوز بخشی از این کتیبه‌های نفیس در اختیار مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو است و به کشور بازگردانده نشده است.

مواردی از نقض تعهد یا حتی احتمال قریب به یقین، سرقت اموال فرهنگی تاریخی ایران توسط هیئت‌های خارجی نیز صورت گرفته است. از جمله می‌توان به نقض تعهدهای مکرر از جانب هیئت کاوش باستان‌شناسی در شوش به سرپرستی یک زوج فرانسوی در زمان انحصار کاوش‌های فرانسوی و تصاحب سهم دولت ایران از کاوش‌های باستان‌شناسی شوش اشاره کرد [۱۳]. همچنین، در زمان مدیریت تخت جمشید توسط مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو، دو قطعه سنگ برجسته منقوش به هفت سرباز سپردار هخامنشی، متعلق به پلکان شمالی شورا مفقود شد.<sup>۳</sup> در ۲۶ مارس ۱۹۳۶ اریک اشمیت، باستان‌شناس آلمانی-آمریکایی جانشین ارنست هرزفلد که در آن زمان مسئولیت تخت جمشید و هیئت حفاری علمی ری را به‌عهده داشت، کتاباً به وزارت معارف و اوقاف ایران اعلام کرد که دو قطعه سنگ از محل فوق‌الذکر در تخت جمشید مفقود شده است. چند دهه پس از این رویداد، در جریان توقیف حراج یک سنگ برجسته منقوش به سرباز هخامنشی و موافقت دادگاه عالی نیویورک با استرداد این قطعه به جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷ مشخص شد که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ دو سنگ برجسته منقوش به سرباز سپردار هخامنشی، به دو موزه مونترال و رویال اونتاریو کانادا فروخته شده بود. قطعه توقیف شده در نیویورک، قبلاً در اختیار موزه مونترال و یکی از سه سربازی بود که از یک قطعه سنگ مفقود شده در سال ۱۹۳۶ جدا شده بود. مشخص بود که فروشنده یک قطعه سنگ را به دو نیم تقسیم کرده بود تا قابل فروش به دو موزه جداگانه باشند. شایان ذکر است که یک قطعه از این سه سرباز در سال ۱۳۹۷ به ایران بازگردانده شد اما قطعه دیگر همچنان در تصرف موزه رویال اونتاریو قرار دارد. از سرنوشت سرباز سوم، اطلاعی

۱. ارنست هرزفلد که خواهان کاوش در تخت جمشید بود، با استفاده از نفوذی که نزد برخی دولتمردان ایران داشت پیش‌نویس قانون راجع به حفظ آثار ملی را تهیه کرده و به دولت ایران داد تا به تصویب مجلس برساند. بلافاصله پس از تصویب این قانون، مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو امتیاز کاوش‌های تخت جمشید به سرپرستی ارنست هرزفلد را از سوی دولت ایران دریافت کرد. نک:

Ernst Herzfeld and the development of near eastern studies, 1900-1950, Ernst Herzfeld, Politics, and antiquities legislation in Iran, Ali Mousavi P.458.

همچنین «بررسی مسئولیت عمومی در قبال میراث‌فرهنگی و میراث طبیعی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۸۹، تیر ۱۴۰۳، ص ۱۵.

۲. در ماجرای اصرار مؤسسه شرقی باستان‌شناسی به دولت ایران برای موافقت با انتقال ده صندوق آخر اشیای کشف شده در تخت جمشید (مربوط به پایان کار مؤسسه در ایران) یا به قول مؤسسه «مجموعه کوچکی از اشیای کشف شده تخت جمشید» به آمریکا، در یکی از مکاتبات کاردار آمریکا در ایران، به نقل از انجمن باستان‌شناسی، خطاب به وزارت امور خارجه ایران قید شده بود: «حضرت عالی مسلماً اذعان دارید که گروه باستان‌شناسی این اشیای عتیقه را حق خود نمی‌داند، بلکه بذل آن را صرفاً نشانه‌ای از الطاف ملوکانه دولت شاهنشاهی و توجه آن به اهداف علمی و خیرخواهانه مؤسسه شرقی باستان‌شناسی و قرار دادن آثاری از تمدن باستانی ایران در معرض دید مردم آمریکا تلقی می‌کند» وزارت امور خارجه آمریکا از عبارت پایانی این نامه مبنی بر اینکه مؤسسه شرقی باستان‌شناسی اشیای موردنظر را حق خود نمی‌داند، خشمگین شد و به‌رغم اطلاع از تخلف مؤسسه از توافقنامه‌اش با دولت ایران، به کاردار، انگرت، گوشزد کرد که «تقسیم اشیای یافت شده توسط گروه باستان‌شناسی مؤسسه شرقی باستان‌شناسی به حسن نیت مقامات ایرانی ربطی ندارد، بلکه حق مسلم مؤسسه است». نک: تاراج بزرگ، محمدقلی مجد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸، صص ۳۷۳-۳۶۱.

۳. در جریان کاوش‌های باستان‌شناسی مؤسسه شرقی باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی ارنست هرزفلد در سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ شش قطعه سنگ منقوش به بخش فوقانی پیکره هفت سرباز سپردار هخامنشی به‌طور جدا از هم کشف شدند و پس از مرمت، بر محل اصلی خود نصب گردیدند. دو قطعه سنگ مفقود شده در زمان مدیریت اریک اشمیت، جانشین ارنست هرزفلد، از همین مجموعه بودند.

در دست نیست. با اینکه اعلام مفقودی دو سنگ مورد نظر توسط اریک اشمیت، در تصمیم دادگاه عالی نیویورک به استرداد قطعه موصوف به ایران، مؤثر واقع شد اما در این تصمیم هرگز اشاره‌ای به احتمال سرقت سنگ‌های مورد نظر توسط مدیریت آمریکایی تخت جمشید یا اهمال در نگهداری اشیای ارزشمند این محوطه تاریخی نگردید.<sup>۱</sup>

سرقت اموال فرهنگی تاریخی ایران گاه نیز توسط مأمورین اداری و یا سیاسی خارجی و با استفاده از مصونیت دیپلماتیک صورت گرفته است. از جمله می‌توان به سرقت یک قطعه سنگ برجسته تخت جمشید توسط یکی از کارکنان شرکت هند شرقی در سال ۱۸۰۰ اشاره کرد. نمونه دیگر خارج کردن سیصد قطعه شیء به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی در روستای خوروین به درخواست یک تبعه فرانسوی و با سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک یک دیپلمات بلژیکی در سال ۱۳۴۴ است. همچنین در سال ۱۳۱۵، یک دیپلمات ژاپنی اقدام به خارج کردن تعدادی اموال فرهنگی تاریخی از جمله دو قطعه سنگ تخت جمشید از طریق بوشهر کرده بود که توسط اداره شهربانی وقت، توقیف شد. این اقدام، تقریباً هم‌زمان با مفقود شدن دو قطعه سنگ منقوش به سرسبازان هخامنشی از پلکان کاخ شورا بود که اریک اشمیت مفقود شدن آنها را به وزیر وقت معارف اعلام کرده بود.<sup>۲</sup>

به هر حال، رفته‌رفته در سایه رشد آگاهی‌های عمومی، آن دسته از مواد قانون ۱۳۰۹ که حفاری تجاری و تسهیم اموال مکشوفه و خارج کردن آنها از کشور توسط هیئت‌های باستان‌شناسی را مجاز دانسته بود، منسوخ شد و در عوض قوانین ممنوعیت و جرم‌انگاری کاوش به قصد کشف اشیای عتیقه، انتقال اموال فرهنگی ایران توسط باستان‌شناسان و همچنین برخورد قانونی با قاچاق و سرقت اموال فرهنگی تاریخی از حفاری‌های غیرمجاز و اموال تقلبی وضع شد.

۱. مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در حال حاضر نیز مدعی است که قطعه مورد نظر توسط فردی ناشناس از تخت جمشید سرقت شده بود. نک:

<https://news.uchicago.edu/story/oriental-institute-helps-return-stolen-persepolis-artifact-iran>

۲. در مکاتبه میان داند مک کاون، معاون اریک اشمیت به دادستان شیراز اعلام شد که دو قطعه سنگ سرقت شده توسط دیپلمات ژاپنی، دو قطعه سنگ مفقود از پلکان کاخ شورا نیست. مک کاون یکی از دو قطعه سنگ مسروقه توسط دیپلمات ژاپنی را فاقد ارزش تجاری عنوان کرده بود و احتمال داده بود از روی زمین برداشته شده باشد.



### ۳. رویه اجرایی استرداد



طبق اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور (بند «۸» ماده (۳)) [۲] «اقدام‌های لازم جهت شناسایی و استرداد اموال فرهنگی ایران در سطح ملی و بین‌المللی از طریق مراجع ذی‌ربط» یکی از تکالیف وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی است. از این رو، اقدام‌های استرداد مشخصاً به درخواست و تأمین مالی هزینه‌های مربوطه اعم از حق‌الوکاله و هزینه دادرسی از محل اعتبارات این وزارت و از طریق مراجع ذی‌ربط، از جمله مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری - در موارد استرداد از طریق دادخواهی قضایی، پیگیری حقوقی یا استفاده از مشاوره و کلا - و وزارت امور خارجه - در موارد استرداد از طریق همکاری‌های دیپلماتیک - انجام می‌شود. با تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۷ موارد گوناگونی از اقدام‌های قضایی مربوط به استرداد یا بازگرداندن اموال فرهنگی تاریخی مسروقه به کشور بدون دادخواهی انجام شده است.<sup>۱</sup> برخی از این اقدام‌ها منتهی به استرداد مقادیر قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی ایران به کشور شده است و برخی دیگر توسط وزارت در دست اقدام و پیگیری است.

فرایند استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی، با توجه به ماهیت و شرایط حقوقی یا سیاسی حاکم بر هر یک از آنها به دو شیوه قضایی یا در چارچوب همکاری‌های دیپلماتیک و در قالب تعهدات کنوانسیون‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد.

#### ۳-۱. بازگرداندن اشیاء از طریق همکاری‌های دیپلماتیک

با توجه به عضویت ایران و برخی کشورهای مقصد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایرانی در «کنوانسیون شیوه‌های ممنوعیت و پیشگیری از ورود، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی»، موسوم به کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو، بازگرداندن این اموال در چارچوب کنوانسیون موردنظر و به شیوه همکاری‌های دیپلماتیک میان دولت‌های مبدأ و مقصد اموال، مشروط بر اینکه هر دو کشور عضو کنوانسیون ۱۹۷۰ باشند، صورت می‌گیرد. شایان ذکر است که نظام توصیه شده از جانب این معاهده، همکاری میان دولت‌های عضو در راستای ممنوعیت ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی تاریخی متعلق به یکدیگر است. از این رو، در این شیوه، نیازی به درخواست قضایی از محاکم داخلی کشور مقصد نیست زیرا دولت کشور عضو، با توجه به نبود موانع حقوقی داخلی خود، خواه با حسن نیت و به‌طور یک‌طرفه و خواه با درخواست مقامات ایران، همکاری لازم را برای بازگرداندن شیء یا اشیای موردنظر به ایران، به عمل می‌آورد. با این وجود نباید از نظر دور داشت که استرداد اموال فرهنگی تاریخی کشورها به‌واسطه حسن نیت و همکاری متقابل میان دولت‌ها، بیش و پیش از آنکه به دلیل عضویت هر دو کشور مبدأ و مقصد در کنوانسیون ۱۹۷۰ باشد تابعی از روابط بین‌الملل و معادلات سیاسی متقابل طرفین است.

شایان توجه است که همکاری دیپلماتیک در زمینه استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران، محدود به کنوانسیون ۱۹۷۰ نیست بلکه مواردی از استرداد نیز وجود دارد که همکاری موردنظر بدون ارجاع به کنوانسیون و در چارچوب روابط دوستانه ایران و کشور مقصد انجام می‌شود. تاکنون موارد متعددی از همکاری کشورهای مقصد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی، از جمله ایتالیا، اتریش، استرالیا و غیره خواه در راستای توصیه‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون ۱۹۷۰ و خواه به صورت همکاری خارج از چارچوب این کنوانسیون، صورت گرفته و اموال موردنظر به ایران بازگردانده شده است.<sup>۲</sup>

۱. لازم به ذکر است که پیش از تشکیل سازمان مذکور، دولت ایران در سال ۱۳۶۰، دادخواهی استرداد مجموعه‌ای از اموال فرهنگی تاریخی ایرانی موسوم به اشیای خورون، رانزد دادگاه کشور بلژیک مطرح کرده بود. این مجموعه متشکل از ۳۴۹ قطعه اشیای به دست آمده از یک محوطه باستان‌شناسی در روستای خورون در ساوجبلاغ با قدمت حدود ۲۸۰۰ تا ۳۲۰۰ سال پیش بودند. این اشیاء ارزشمند در سال ۱۳۴۴ توسط یک بانوی فرانسوی دارای تابعیت ایرانی، به نام وولف کاربوس ملکی و به صورت غیرقانونی با سوءاستفاده از مصونیت دیپلماتیک یک دیپلمات بلژیکی از کشور خارج شده بود. با درخواست اولیه دولت ایران، دادگاه بدوی، قرار توقیف اشیای مذکور را در سال ۱۳۶۱ صادر کرده و اشیای تا تعیین تکلیف مالکیت آنها در اختیار موزه «سنکانتز» بروکسل قرار داده شد. در سال ۱۳۹۲ دادگاه استیناف لیژ کشور بلژیک، با رد ادعاهای خانم ملکی، مالکیت ایران بر اشیای خورون را محرز دانسته و حکم به استرداد آنها به جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد. اشیای موردنظر در ۴ فروردین ماه ۱۳۹۳ با پرواز ویژه به کشور بازگردانده شد.

۲. بازگرداندن ۵۱ قطعه کاشی لعابدار متعلق به محوطه باستان‌شناسی فلاچی بوکان از کشور سوئیس به ایران در سال ۱۳۹۹ از این جمله هستند. این اشیاء متعلق به تمدن مانایی با قدمت قرن هفتم پیش از میلاد، در اوایل دهه ۱۳۶۰ به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده بودند.

## ۲-۳. استرداد از طریق دادخواهی قضایی

در این شیوه بنا به دلایل متعدد، وزارت ناگزیر از طرح دعوی نزد یک دادگاه داخلی کشوری است که شیء ایرانی در آن قرار دارد و ایران مدعی مالکیت آن شیء و خواهان بازگرداندن آن از کشور مقصد به خاستگاه خود است. از جمله این دلایل عبارت‌اند از فقدان عضویت کشور مقصد در کنوانسیون‌های مربوطه به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو، ادعای حسن نیت دارنده به دلیل نبود اطلاع وی از غیرقانونی بودن خروج اموال در اختیار وی از کشور مبدأ و تحصیل اموال مورد نظر به صورت قانونی و استحقاق وی به دریافت غرامت عادلانه و معقول - با استناد به کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیورسیت - یا حمایت قانون کشور مقصد از دارندگان این گونه اموال و لزوم رسیدگی توسط دادگاه. در این گونه موارد باید وزارت، با ارائه ادله، اسناد و مدارک موجود به دادگاه محل رسیدگی، ادعای مالکیت خود بر اموال مورد نظر را اثبات کند. مهم‌ترین دلیل مورد نیاز جهت اثبات مالکیت ایران بر اشیای مورد نظر آن است که این اموال از یکی از محوطه‌های باستان‌شناسی ایران به‌طور غیرقانونی و در نقض صریح قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹ و سایر قوانین ذی‌ربط، تحصیل شده و از طریق غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند. طبق قوانین و مقررات میراث فرهنگی در کشور ایران، به‌ویژه «[لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک‌صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد](#)» مصوب سال ۱۳۵۸ [شورای انقلاب](#) [۳] و ماده (۵۶۲) فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) [۴] و هر گونه حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه جرم محسوب است. همچنین طبق ماده (۵۶۱) فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هر گونه اقدام به خارج کردن اموال فرهنگی تاریخی از کشور، هر چند به خارج شدن آنها نیانجامد، قاچاق محسوب شده و این اقدام نیز جرم شناخته می‌شود. شایان ذکر است قانون ۱۳۰۹ نیز اگرچه تسهیم اموال مکشوفه میان دولت و هیئت‌های کاوش را مجاز شمرده بود، اما خارج کردن سایر اموال سهم دولت ایران از کشور را جرم شناخته است. در صورتی که ثابت شود اموال خارج شده قبلاً در اختیار هیچ موزه، مجموعه خصوصی یا دولتی نبوده و به عبارتی از این موزه یا مجموعه خصوصی و دولتی سرقت نشده است، روشن خواهد بود که این اموال از طریق حفاری غیرمجاز به دست آمده است لذا مالکیت دولت ایران بر این اموال محرز است و معمولاً این دلیل با ارائه قوانین و مقررات ایرانی و مستندات مثبت، مورد تأیید دادگاه مورد نظر قرار می‌گیرد. گاه نیز محکمه به شهادت متخصصان مورد وثوق، در مورد ایرانی بودن و خروج غیرقانونی آنها از کشور استناد می‌کند. تاکنون چندین مورد دادخواهی‌های بین‌المللی از جانب ایران با درخواست استرداد اموال ایرانی نزد محاکم کشورهای بلژیک، انگلستان، آمریکا و کانادا صورت گرفته و تقریباً در همه این موارد، رأی به نفع ایران صادر شده است. از جمله این آراء، عبارت‌اند از رأی دادگاه استیناف انگلستان به رد فرجام‌خواهی مؤسسه حراج برکت لندن و استرداد ۱۸ شیء مربوط به تمدن جیرفت به ایران در سال ۱۳۸۶، رأی نهایی دیوان عالی آمریکا به رفع توقیف الواح باروی تخت جمشید در سال ۱۳۹۶، رأی دادگاه استیناف بلژیک به استرداد سیصد قطعه اشیای خوروبین به ایران در سال ۱۳۹۲. همچنین در برخی موارد دادخواهی ایران، مقام قضایی ذی‌ربط بدون ورود به ماهیت قضایی پرونده دستور استرداد اموال توقیف شده به ایران را صادر کرده است. تصمیم دادستانی نیویورک به تحویل سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی سپردار تخت جمشید به دولت ایران در سال ۱۳۹۸ از این جمله است.

شایان توجه است که صدور آرا به نفع ایران توسط محاکم کشورهای مقصد، دارای مزایای قابل توجهی برای دعاوی استرداد اموال ایرانی است. در واقع، صدور آرای محاکم بین‌المللی به نفع ایران، نه تنها به بازگرداندن اموال متعلق به ملت ایران منجر می‌شود بلکه با ایجاد یک رویه قضایی بین‌المللی، می‌تواند بر سر نوشت دیگر دادخواهی‌های استرداد علیه متصرفان اموال ایرانی از جانب ایران اثر گذارده و مورد وثوق قضات این پرونده‌ها قرار گیرد و در نتیجه آرا مشابه به نفع ایران صادر شود.

۱. دادگاه انگلستان در سال ۲۰۰۷، در پرونده ایران علیه دنیز برن، که متصرف فرانسوی یک قطعه سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی بود، به نفع دارنده و علیه ایران، رأی صادر کرد و سنگ برجسته موصوف توسط مؤسسه حراج کریستیز به فردی ناشناس به فروش رسید.

شکل ۱. یک قطعه از آجرهای لعابدار قلاچی - مسترد شده در سال ۱۳۹۹ [۱۴]



صدور این آرا همچنین تأثیر غیر مستقیم در استرداد اموال ایرانی به کشور دارد زیرا اولاً دلالت و مؤسسات حراج اموال فرهنگی تاریخی و هنری بین‌المللی و همچنین مجموعه داران، موزه‌ها و دیگر متقاضیان، نسبت به انجام معاملات غیر قانونی اموال با منشا ایرانی دچار این تردید می‌شوند که طرح دعوی قضایی ایران علیه ایشان و صدور رأی موافق به نفع ایران همواره محتمل است. دیگر آنکه این آرا با توجه به پوشش رسانه‌ای گسترده اخبار مرتبط به آنها در سطح جهانی، فضای بین‌المللی برای بازگرداندن اموال را تا حدودی مساعد می‌کند زیرا **موزه‌ها و متصرفان با توجه به آرا صادره به نفع ایران، نسبت به بازگرداندن اموال ایرانی احتمالاً مسروقه در اختیار خود به ایران، تمایل نشان می‌دهند.**<sup>۱</sup> در واقع، موفقیت حقوقی در محاکم بین‌المللی و جو روانی حاصل از آن در کشورهایی که مدعی مردم سالاری و احترام به روح قوانین و اصول فرهنگی هستند، یکی از عوامل مساعد برای پذیرش بازگرداندن اشیای مسروقه در اختیار دارندگان به ایران است. در این زمینه حمایت و مساعدت برخی از ایران‌شناسان و متخصصان حوزه اموال فرهنگی تاریخی ایران که بعضاً موزه‌داران خارجی نیز هستند در امر استرداد مفید واقع می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. بلافاصله پس از صدور تصمیم دادگاه عالی نیویورک به بازگرداندن یک قطعه سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی در سال ۱۳۹۷، با پیشنهاد وکیل آمریکایی ایران به موزه رویال اونتاریو کانادا که قطعه دیگر از سنگ برجسته مسروقه از تخت جمشید را در اختیار داشت، موزه ابراز آمادگی کرد تا این قطعه را به‌طور کاملاً یکطرفه و بدون دریافت هیچ‌گونه وجهی به ایران بازگرداند. همچنین در مذاکرات فیما بین وکیل ایران و وکیل موزه باربیبه مولر سوئیس که دو قطعه سنگ برجسته متعلق به تخت جمشید را در اختیار دارد، موزه از درخواست‌های اولیه خود مبنی بر پرداخت بهای هر دو قطعه از جانب ایران در ازای استرداد یا استرداد دو قطعه به ایران مشروط به پذیرش مالکیت دائمی موزه بر آنها از جانب ایران، عقب‌نشینی کرد. پس از رد پیشنهاد‌های مذکور از جانب وزارت، در مرحله بعدی مذاکرات میان وکلای طرفین، وکیل موزه پیشنهاد داد یکی از این دو قطعه به انتخاب وزارت به ایران مسترد شود مشروط بر اینکه ایران ادعای دیگری نسبت به قطعه دوم نداشته باشد و این قطعه برای همیشه در مالکیت موزه باقی بماند. وزارت این پیشنهاد را نیز رد کرده و خواهان استرداد بدون قید و شرط هر دو قطعه به ایران شده است.

۲. از جمله می‌توان به نقش مؤثر یک باستان‌شناس انگلیسی موسوم به سنت جان سیمپسون در ماجرای کشف، توقیف یک قطعه سنگ نگاره ساسانی در فرودگاه استنستد لندن در سال ۱۳۹۴ و بازگرداندن آن در سال ۱۴۰۲ به ایران اشاره کرد. اثر موصوف در فاصله بین کشف تا استرداد به ایران، با موافقت وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی به مدت سه ماه در موزه بریتانیا به نمایش گذارده شد. نک: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷ تیر ۱۴۰۲، ۷:۵۰، کد خبر ۸۵۱۵۳۷۵۲.

یکی دیگر از موضوع‌های مرتبط با این بحث، انصراف موزه بریتانیایی لندن - بریتیش میوزیوم - به خرید ۵۱ قطعه کاشی لعابدار قلاچی بوکان است. در سال ۱۹۹۱ این موزه اطلاع حاصل کرد که یک خانواده ایرانی در حال فروش مجموعه‌ای از آجرهای لعابدار نفیس در بندر چیاسو، واقع در مرز سوئیس و ایتالیا، هستند. موزه‌دار این موزه، دکتر جان کرتیس، جهت مذاکره برای خرید این عتیقات به محل اعزام شد. وی در بازدید از نزدیک اموال، تشخیص داد که کاشی‌های مورد نظر به محوطه قلاچی بوکان - ایران - تعلق دارد و به موزه مورد نظر و سایر موزه‌ها توصیه کرد از خرید این اشیاء منصرف شوند تا این مجموعه فاخر به کشور مقصد خود، ایران، بازگردد. وی پس از کسب اطلاع از ضبط آجرها توسط مقامات سوئیس، موضوع را به جیمز اسکات، وکیل انگلیسی ایران در پرونده استرداد ۱۸ قلم اشیای جیرفت از گالری برکت، اطلاع داد تا مقامات ایران را در جریان این موضوع و اقدام برای استرداد، قرار دهد.

نک: «کاتالوگ نمایشگاه آجرهای لعابدار بوکان، استرداد از کشور سوئیس»، یوسف حسن زاده و جان کرتیس، انتشارات موزه ملی ایران، ص ۸.

## ۴. چالش‌های قانونی استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران



استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایرانی، نسبت به حجم کثیری از اموال ایرانی پراکنده در موزه‌ها و مؤسسات متنوع کشورهای جهان، آن چنان که باید قابل انجام نیست. این امر صرف نظر از قوانین داخلی کشورهای مقصد و محل وقوع اموال فرهنگی تاریخی ایرانی که عمدتاً به دلیل قواعدی نظیر شمول مرور زمان<sup>۱</sup> و غیره به نفع اتباع این کشورها هستند، در بسیاری از موارد ناشی از تصویب برخی قوانین داخلی ایران یا فقدان وضع قوانین حمایتی در خصوص استرداد اموال فرهنگی تاریخی است.

■ **قانون راجع به حفظ آثار ملی موسوم به قانون ۱۳۰۹** به رغم امتیازاتی که در مورد حفاظت از میراث فرهنگی ایران داشت خود عاملی برای رسمیت دادن به خروج نفیس‌ترین آثار ایرانی از کشور شد.

قانون ۱۳۰۹ با وجود مزایای بسیاری که برای حفاظت از میراث فرهنگی ایران به همراه داشت و با اینکه برای نخستین بار در تاریخ ایران، خروج بدون مجوز اموال فرهنگی را از کشور ممنوع کرد، حاوی ایرادات مهمی بود که زمینه‌ساز تاراج میراث فرهنگی ایران، آن هم به صورتی کاملاً قانونی شد.

این قانون، حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی را «منحصراً حق دولت» شناخت (ماده یازدهم) و حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه بدون اجازه دولت، ولو اینکه در ملک خصوصی متعلق به فرد مرتکب صورت گرفته باشد، همچنین قاچاق آثار ملی را جرم‌انگاری کرد. (مواد سیزدهم و شانزدهم) بدین ترتیب، قانون ۱۳۰۹ نخستین قانون در ایران، در زمینه مبارزه با حفاری به قصد کشف اشیای عتیقه و قاچاق عتیقات (اموال فرهنگی تاریخی) به شمار می‌رود. اما از سوی دیگر قانون ۱۳۰۹ تأکید کرد که دولت می‌تواند حق انحصاری خود در مورد حفاری را به «مؤسسات علمی، اشخاص یا شرکت‌ها» واگذار کند (ماده یازدهم). بدین ترتیب کاوش‌های باستان‌شناسی توسط هیئت‌های کاوش علمی با اخذ مجوز دولت، مجاز دانسته شد. این قانون کاوش با مقاصد تجاری، یعنی خرید و فروش عتیقات را با اخذ مجوز از دولت رانیز مجاز شمرد.<sup>۲</sup> (ماده دوازدهم) بالتبع خارج کردن اموال مکشوفه از حفاری تجاری از کشور، مشروط به اخذ مجوز از دولت، مجاز شد (ماده هفدهم). اما مهم‌ترین ایراد قانون ۱۳۰۹ آن بود که با مجاز کردن کاوش‌های علمی و تجاری، اجازه داد که اشیای به دست آمده از این کاوش‌ها، پس از کسر ده قلم از اشیایی که حیثیت تاریخی و صنعتی دارد به نفع دولت، مابقی اشیای به دست آمده به‌طور مساوی میان دولت و کاشفان، نصف شود و سهم کاشف را «متعلق به خود او» دانست. (ماده چهاردهم) این قانون همچنین خارج کردن اموال به دست آمده از کاوش‌های تجاری از کشور با کسب مجوز صدور از دولت را مجاز کرد و نیز خارج کردن اموال سهم باستان‌شناسان از کشور را «در هر حال جایز و از پرداخت هرگونه حقوق و عوارض» معاف دانست (ماده هجدهم).

طی این قانون، حفاری تجاری در آثاری که در فهرست آثار ملی ثبت شده اند ممنوع شد. (ماده دوازدهم) به نظر می‌رسد این پیش‌بینی به نفع هیئت‌های باستان‌شناسی خارجی تنظیم شده بود زیرا به فاصله اندکی پس از تصویب قانون ۱۳۰۹ محوطه تاریخی تخت جمشید در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و امتیاز کاوش در آن منطقه به مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو واگذار شد. بدین ترتیب کاوش در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های باستان‌شناسی کشور در انحصار آمریکایی‌ها قرار داده شد و طبعاً آثار ارزشمند آن منطقه نیز در انحصار ایشان قرار گرفت. با اینکه طبق اسناد موجود، دولت وقت در تسهیم اموال تخت جمشید در برابر خواست‌های مکرر آمریکایی‌ها مقاومت می‌کرد با این وجود، سرانجام دولت با انتقال مقادیر قابل توجهی از اشیای ارزشمند تخت جمشید به آمریکا موافقت کرد [۱۳].

طبق اندیشه رایج در جهان که متأثر از رژیم حقوقی بین‌المللی ایجاد شده توسط کنوانسیون‌های یونسکو به‌ویژه کنوانسیون‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲

۱. در پرونده «ایران علیه دنیز برند» که متصرف فرانسوی یک قطعه سنگ بر جسته منقوش به سر سرباز هخامنشی بود، دادگاه انگلستان با توجه به قاعده مرور زمان، پیش‌بینی شده در قانون کشور فرانسه، به نفع دارنده و علیه جمهوری اسلامی ایران، رأی صادر کرد.

۲. هر چند مطابق لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد مصوب سال ۱۳۵۸ این موضوع نسخ شد.



است، میراث فرهنگی به کل جامعه بشری تعلق دارد و باید به نفع عموم مردم جهان حفظ شود.<sup>۱</sup> با این حال این اندیشه بدان معنا نیست که اموال فرهنگی کشورهای صاحب تمدن از خاستگاه خویش خارج شده و به کشورهای دیگر انتقال یابند. از این رو، در تمام کشورهای جهان، خارج کردن اموال میراث فرهنگی از کشور و انتقال دائمی آنها به دیگر کشورها نیز امری ناپسند و مطرود به شمار می‌رود. از این نظر، آن دسته از مواد قانون ۱۳۰۹ که انتقال اموال فرهنگی تاریخی کشور به سایر کشورها را مجاز می‌شمرد، مغایر با اندیشه رایج فعلی از جهت حفظ میراث فرهنگی برای جامعه ایران بوده است. خوشبختانه چند دهه پس از تصویب قانون ۱۳۰۹ در سایه رشد آگاهی‌های عمومی و به‌ویژه با گسترش فعالیت باستان‌شناسان ایرانی، آن دسته از مواد قانون ۱۳۰۹ که حفاری تجاری و تسهیم اموال فرهنگی تاریخی ایران میان دولت و هیئت‌های کاوش خارجی را مجاز دانسته بود، طبق یک رویه اجرایی اداره کل باستان‌شناسی در عمل و بدون تصویب قانون موخر موجب اجرا نشدن آن شد و در عوض قوانین قاطع‌تری برای جلوگیری از کاوش به قصد کشف اشیای عتیقه، سرقت و قاچاق اموال فرهنگی تاریخی از ایران به تصویب مراجع قانونگذار کشور رسید.<sup>۲</sup>

با این وجود، پیش از تصویب قانون مذکور یا حتی پس از تصویب آن، بسیاری از اموال فرهنگی تاریخی ارزشمند ایرانی، برای همیشه از کشور خارج و در اختیار موزه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی کشورهای دیگر به‌ویژه اروپا و آمریکا قرار گرفته بود.<sup>۳</sup> همین مجوز قانونی است که در حال حاضر، امکان پیگیری‌های قضایی برای بازگرداندن این اموال به کشور را از ایران سلب کرده است زیرا محاکم بین‌المللی تنها به شکایت‌های قضایی مرتبط با سرقت، تحصیل و خروج غیرقانونی اموال از کشور رسیدگی می‌کنند. حال آنکه قانونگذار این خروج را قانونی دانسته بود و هرگونه ادعای سرقت یا قاچاق اموال توسط هیئت‌های باستان‌شناسی، از این حیث توسط محاکم مسموع نیست. ذکر این نکته لازم است که استناد به قانون ۱۳۰۹ در مواردی که اشیای ایرانی با نقض این قانون و به‌صورت قاچاق از کشور خارج شده‌اند، مورد تأیید محاکم است و در چند مورد استرداد اموال ایرانی به کشور، مفید واقع شده است.<sup>۴</sup>

■ **«قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی» مصوب سال ۱۳۵۳ [۵].**

کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب سال ۱۹۷۰ یونسکو، با هدف حمایت از اموال فرهنگی تاریخی منقول کشورهای عضو و مبارزه با واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت این گونه اموال متعلق به کشورها اتخاذ شده است.<sup>۵</sup>

با وجود مزایایی که قانون الحاق ایران به کنوانسیون موردنظر برای کشور داشته و مقادیری از اموال مسروقه ایران در چارچوب مقررات این معاهده به کشور بازگردانده می‌شوند اما این معاهده در عین حال دارای ایراداتی نیز هست که به نوعی موانعی در زمینه استرداد بخشی قابل توجهی از اموال فرهنگی تاریخی ایرانی به کشور به شمار می‌روند.

نخستین و مهم‌ترین ایراد آن است که حکم این معاهده مربوط به پس از تصویب در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ ش) و لازم‌الاجرا شدن آن است و لذا از حقوق کشورهای مبدأ عضو در برابر سرقت، قاچاق و انتقال غیرقانونی اموالی که قبل از تاریخ تصویب این معاهده صورت گرفته‌اند، حمایت نمی‌کند.<sup>۶</sup> این در حالی است که مقادیر بسیاری از اموال فرهنگی تاریخی ایران در دهه‌ها و یا سده‌های پیش از تصویب این کنوانسیون و صرفاً

۱. ثبت میراث فرهنگی و میراث طبیعی متعلق به هر یک از کشورها در فهرست میراث جهان یونسکو حاصل این اندیشه جهانی است که به موجب آن، میراث طبیعی و فرهنگی ثبت شده در فهرست جهانی، میراث مشترک بشریت شناخته می‌شوند.

۲. لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه و آثار تاریخی که براساس ضوابط بین‌المللی مدت یک صد سال یا بیشتر از تاریخ ایجاد یا ساخت آن گذشته باشد، مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب از این جمله است.

۳. به‌عنوان مثال، ژان دیولافوا نویسنده کتاب خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۶-۱۸۸۴ ترجمه ایرج فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ توضیح‌های مفصلی راجع به خارج کردن همه اشیای به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش از ایران و انتقال آنها به فرانسه، ارائه داده است.

۴. از جمله این موارد، حکم به استرداد ۳۴۹ قطعه اشیای خروبین به ایران توسط دادگاه استیناف شهر لیبیو بلژیک است که در سال ۱۳۴۴ در نقض قانون ۱۳۰۹ از کشور خارج شده بود.

۵. «قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی» مصوب سال ۱۳۵۳ ماده (۲) ۱. دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر، می‌پذیرند که ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی یکی از علل اساسی فقر میراث فرهنگی کشورهای مبدأ این اموال است و همکاری بین‌المللی یکی از مؤثرترین وسایل حمایت اموال فرهنگی آنها در برابر کلیه خطرهای ناشی از آن است، ۲. به این منظور، دولت‌های عضو، متعهد می‌شوند با وسایلی که در اختیار دارند با این اعمال مبارزه کنند و به‌ویژه علل آنها را از میان بردارند و جریان آنها را متوقف سازند و مساعدت کنند تا اصلاحات لازم انجام گیرند.»

۶. قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی ماده (۷) دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر متعهد می‌شوند:

با موافقت مقامات وقت ایران یا حتی با نقض تعهد و به صورت مخفیانه توسط این هیئت‌ها از کشور خارج شده‌اند. در سال‌های پس از این تراج گسترده، قوانین حفاظت از میراث فرهنگی، (صرف‌نظر از ایراد ماهوی قانون ۱۳۰۹ که تسهیم اموال ایرانی با باستان‌شناسان بیگانه را تأیید کرد) به تصویب رسیدند. بدین ترتیب موافقت مقامات وقت نمی‌تواند دلیلی منطقی بر قانونی بودن تعلق میراث فرهنگی یک ملت به ملت دیگر باشد. ایراد دیگر - که اهمیت آن کمتر از ایراد قبلی نیست - آن است که این معاهده، اموالی را که قبل از این تاریخ توسط هیئت‌های باستان‌شناسی از کشورهای مبدأ خارج شده‌اند را بخشی از میراث فرهنگی، این کشورها می‌داند.<sup>۱</sup> متأسفانه ایران نیز با الحاق به این معاهده، بدون اینکه حق شرط بر این بخش از ماده (۴) معاهده در نظر گرفته باشد، متن کنوانسیون را عیناً پذیرفته است. با این توضیح به نظر می‌رسد، قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۷۰، به نوعی قانون مکمل قانون ۱۳۰۹ - صرفاً در مورد اموال خارج شده از کشور با مجوز دولت‌های وقت - است.

لذا هر گونه ادعا از جانب ایران نسبت به اشیایی که با مجوز قانون ۱۳۰۹ از کشور خارج شده و با الحاق کشور به کنوانسیون مذکور، به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی کشورهای دارنده قلمداد می‌شوند، دست کم تا زمان تداوم عضویت ایران در این کنوانسیون، نزد دادگاه‌های کشورهای خارجی محل وقوع این اشیاء، قابل پذیرش نیست و به رد ادعای مورد نظر توسط این محاکم می‌انجامد.

با این وجود انصراف از تداوم عضویت در کنوانسیون ۱۹۷۰ - با توجه به مزایایی که از حیث گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با سرقت قاچاق و واردات و صادرات اموال فرهنگی تاریخی دارد - به مصلحت کشور نیست. بلکه به نظر می‌رسد آنچه در حال حاضر مورد نیاز ایران و اصولاً همه کشورهای صاحب تمدن کهن و قربانی تراج اموال فرهنگی تاریخی است، اصلاح کنوانسیون ۱۹۷۰ یا تنظیم یک معاهده با عضویت کشورهای قربانی تراج میراث فرهنگی ایشان توسط کشورهای مقصد است.

#### ■ «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی

**مسروقه یا غیرقانونی خارج شده»** مصوب ۳۰ مرداد ماه ۱۳۷۹ [۶] نیز به حوزه استرداد اموال فرهنگی تاریخی مربوط است. شایان ذکر است که این معاهده در تکمیل کنوانسیون ۱۹۷۰ به تصویب رسیده است. طبق ماده (۴) قانون الحاق به این کنوانسیون، «دارنده شیء فرهنگی مسروقه که موظف به اعاده آن است، در زمان استرداد آن مستحق دریافت غرامتی عادلانه و معقول است مشروط بر اینکه دارنده از مسروقه بودن شیء آگاهی نداشته و به‌طور منطقی نمی‌توانسته بر این امر آگاهی داشته باشد و بتواند ثابت کند در هنگام تحصیل شیء احتیاط و توجه لازم را به خرج داده است».<sup>۲</sup> بدین ترتیب حتی در موارد اثبات و پذیرش ادعای سرقت و قاچاق اموال متعلق به ایران توسط دادگاه محلی، ایران به دلیل عضویت در کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده، ناچار به پرداخت غرامت به دارنده‌ای است که ادعای حسن نیت و فقدان اطلاع از مسروقه بودن شیء هنگام تحصیل آن کرده و این ادعای حسن نیت مورد تأیید دادگاه محلی قرار گرفته است. طبیعتاً دارندگان اموال ایرانی، غالباً مدعی هستند که اموال را به شیوه‌های قانونی

الف) کلیه تدابیر لازم را بر طبق قوانین داخلی، اتخاذ کنند تا موزه‌ها و سایر مؤسسات مشابه واقع در قلمرو آنها، نتوانند اموال فرهنگی را که از کشور عضو دیگر این کنوانسیون می‌رسد در صورتی که پس از لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون به‌طور غیرقانونی صادر شده باشد، تصاحب کنند؛ در حدود امکان کشور مبدأ عضو کنوانسیون حاضر را از عرضه شدن این گونه اموال فرهنگی که به‌طور غیرقانونی پس از لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون نسبت به دو کشور مورد بحث، از قلمرو آن کشور خارج شده، آگاه سازند،

ب) ۱. ورود اموال فرهنگی را که از یک موزه یا بنای عمومی مدنی یا مذهبی یا یک مؤسسه مشابه واقع در قلمرو کشور عضو دیگر کنوانسیون حاضر، پس از لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون در کشورهای مورد بحث؛ به سرقت رفته، ممنوع سازند. مشروط بر این که ثابت شود که این اموال جز فهرست این مؤسسه هستند.

۲. درخواست کشور مبدأ که عضو کنوانسیون حاضر است، تدابیری اتخاذ کنند که هر گونه مال فرهنگی را که پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حاضر در مورد دو کشور مربوط، به سرقت رفته و وارد شده، ضبط و مسترد کنند. مشروط بر این که دولت درخواست‌کننده به شخصی که با حسن نیت آن را به دست آورده یا به‌طور قانونی مالکیت آن را احراز کرده است، غرامت عادلانه‌ای به پردازد. درخواست‌های ضبط و استرداد باید از طریق سیاسی خطاب به دولت مورد تقاضا، تسلیم شود. دولت تقاضاکننده مکلف است به خرج خود، مدارک مثبتانه لازم را برای توجیه درخواست ضبط و استرداد فراهم آورد. دولت‌های متعاقد از شمول حقوق گمرکی یا سایر عوارض نسبت به اموال فرهنگی مسترد شده به موجب این ماده خودداری می‌کنند. کلیه مخارج مربوط به استرداد مال فرهنگی مورد بحث بر عهده دولت متقاضی است.

۱. طبق بند «ج» ماده (۴) قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی مصوب ۱۷ آذر ماه ۱۳۵۳، «دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر می‌پذیرند که بر حسب مفاد این کنوانسیون، اموال فرهنگی مربوط به انواع زیر، جزئی از میراث فرهنگی هر کشور تشکیل می‌دهند: ج) اموال فرهنگی که به وسیله هیئت‌های باستان‌شناسی مردم‌شناسی یا علوم طبیعی با موافقت مقامات صلاحیت‌دار کشور مبدأ این اموال به دست آمده‌اند. د) اموال فرهنگی که موضوع مبادلات آزادانه مورد توافق بوده‌اند. ه) اموال فرهنگی که به صورت هدیه دریافت یا با موافقت مقامات صلاحیت‌دار کشور مبدأ این اموال، به‌طور قانونی خریداری شده‌اند».

۲. طبق بند «۱» ماده (۴) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده مصوب ۳۰ مرداد ماه ۱۳۷۹ «دارنده شیء فرهنگی مسروقه که موظف به اعاده آن است، در زمان استرداد آن مستحق دریافت غرامتی عادلانه و معقول است مشروط بر اینکه دارنده از مسروقه بودن شیء آگاهی نداشته و به‌طور منطقی نمی‌توانسته بر این امر آگاهی داشته باشد و بتواند ثابت کند در هنگام تحصیل شیء احتیاط و توجه لازم را به خرج داده است».



نظیر دریافت هدیه<sup>۱</sup> یا خرید از یک مؤسسه حراج،<sup>۲</sup> بدون اطلاع از مسروقه بودن آنها به دست آورده‌اند [۱۴].

## ۵. چالش‌های ناشی از فقدان قوانین لازم در امر استرداد

گاه نیز فقدان برخی قوانین لازم، استرداد اموال فرهنگی تاریخی را با چالش قانونی روبه‌رو می‌کند.

### ■ فقدان قانون مشخص در زمینه اموال فرهنگی تاریخی منقول مجاز در اختیار مردم

قوانین حوزه اموال فرهنگی تاریخی منقول، از جمله «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام اعمال حفاری‌های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیای عتیقه» مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب و فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، کلیه اموال فرهنگی تاریخی موجود در محوطه‌های باستان‌شناسی، اماکن فرهنگی تاریخی، موزه‌ها و مجموعه‌های دولتی، در حیطه اختیارات دولت بوده و اشخاص خصوصی بدون مجوز دولت (وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی)، حق حفاری و کاوش عامدانه - حتی در ملک خصوصی متعلق به خود - جهت کشف و تحصیل این گونه اموال را ندارند. به علاوه اقدام‌های دیگری چون خرید و فروش غیر مجاز و اقدام به قاچاق اموال منقول به دست آمده از حفاری غیر مجاز به قصد کشف اشیای عتیقه، به عنوان جرم شناخته شده و مرتکب مشمول مجازات حبس مقرر در قانون است. تأکید قوانین موصوف بر ممنوعیت کاوش باستان‌شناسی بدون مجوز وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، دلالت صریح بر دولتی بودن اموال مکشوفه از محوطه‌های باستان‌شناسی ایران و نظارت حاکمیتی دولت بر محوطه‌های باستان‌شناسی یا حتی املاک خصوصی محل وقوع اشیای در لایه‌های زیرین آنها دارد. بدین ترتیب پیش‌بینی‌های این قوانین مربوط به اموال فرهنگی تاریخی تحت حاکمیت دولت شامل اماکن ثبت شده در فهرست آثار ملی، محوطه‌های باستان‌شناسی، اراضی و حتی املاک خصوصی است. «آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی» مصوب سال ۱۳۸۱ هیئت وزیران که متأثر از قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۷۰ تدوین شده است نیز مشخصاً به موضوع اموال فرهنگی تاریخی موزه‌ها و مجموعه‌های دولتی پرداخته است.

با این وجود، اموال فرهنگی تاریخی منقول موجود در کشور، محدود به اموال دولتی زیر خاکی حاصل از حفاری فوق‌الذکر نبوده بلکه تعداد کثیری از این گونه اموال، شامل اشیایی است که نه از طریق حفاری غیرقانونی، بلکه از طریق قانونی توارث به مالکین خصوصی رسیده‌اند و مالکین نسبت به آنها حقوق مالکانه دارند. ماده (۷) قانون ۱۳۰۹ نیز به نوعی این مالکیت را تأیید کرده و صرفاً نظارت بر آنها را از طریق فرایند ثبت در فهرست جداگانه توسط دولت پیش‌بینی کرده است.<sup>۳</sup> سایر قوانین میراث فرهنگی نیز هر یک بنوعی این مالکیت را مورد تأیید قرار می‌دهند. فصل نهم قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، طی ماده (۵۵۹)، اقدام به سرقت، خرید یا پنهان کردن اشیای فرهنگی تاریخی موزه‌ها و اماکن دولتی را جرم‌انگاری کرده است اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به اقدام‌های مذکور، در مورد اموال دارای مالکیت

۱. دارنده یک خنجر برنزی لرستان در کشور نروژ مدعی شد که این شیء را در سال ۱۹۷۰ در سفری تجاری به تهران خریداری کرده است. وی در اظهارات دیگر نزد مقامات نروژی اظهار کرد که در سفر مذکور، این شیء را از رئیس یک کارخانه خصوصی (کفش ملی) هدیه گرفته است. به نظر می‌رسد این تغییر موضع و اظهارات متناقض، ناشی از آگاهی دارنده به لزوم اثبات حسن نیت در تحصیل شیء جهت مبری شدن از مسئولیت کیفری و همچنین اطلاع از بند «ه» ماده (۴) کنوانسیون ۱۹۷۰ بوده است که طی آن اموالی که به صورت هدیه دریافت شده‌اند، بخشی از میراث فرهنگی کشورها به شمار می‌روند. ۲. متصرف فرانسوی سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی تخت جمشید در پرونده «دنیز برند و جمهوری اسلامی ایران»، مفتوحه نزد دادگاه لندن، مدعی شد که این شیء را در سال ۱۹۷۴ از یک مؤسسه حراج در نیویورک خریداری کرده بود. خانم برند این شیء را به مدت سی سال در خانه خود در پاریس نگهداری کرد و پس از مرور زمان مربوطه با طرح دعوی ایران نزد دادگاه انگلیس مواجه شد. مرور زمان و استفاده قاضی انگلیسی از قانون فرانسه، به عنوان یک قاعده حل تعارض در حقوق بین‌الملل خصوصی، به صدور رأی به نفع برند و علیه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ منجر شد. شایان ذکر است که دارنده شیء، پیش از صدور رأی مربوطه به ایران پیشنهاد صلح و فروش شیء را داده بود اما سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری پاسخ داد که استیفای حق ایران باید از طریق دادگاه انجام شود. پس از صدور رأی به نفع دنیز برند، نامبرده پیشنهاد مجدد سازمان مذکور به فروش شیء به ایران را رد کرد و سنگ برجسته موصوف به صورت محرمانه و به بهایی به مراتب بیشتر از قیمت پیشنهادی قبلی برای صلح، توسط حراج کریستیز به فروش رسید. پیش از برگزاری حراج، مدیر کل حقوقی و املاک سازمان موصوف طی یک اظهار رسمی اعلام کرد: ایران در برابر هر خریدار جدید سر سرباز هخامنشی اقدام قضایی می‌کند. به نظر می‌رسد به دلیل این اظهار نظر رسمی و درخواست از دستداران میراث فرهنگی ایران برای بازگرداندن این شیء به ایران، مؤسسه کریستیز، فروش اثر را به صورت محرمانه برگزار کرد و به شخصی ناشناس فروخت تا ایران قادر به پیگرد قضایی خریدار نباشد. در حال حاضر وزارت هیچ‌گونه اطلاعی از دارنده فعلی و محل نگهداری این شیء ارزشمند در اختیار ندارد. ۳. طبق بند «۳» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی و کاوش‌های علمی، و وظیفه حاکمیتی این سازمان و وزارت فعلی میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی است.

۳. قانون راجع به حفظ آثار ملی، ماده هفتم «اموال منقوله که از آثار ملی محسوب و مالک خصوصی داشته باشد باید در فهرست جداگانه به ترتیبی که در ماده سه مقرر است ثبت شود».

خصوصی نکرده است. مشخص نیست این سکوت، نوعی تأیید تلویحی اقدام‌های مشابه در مورد اموال غیردولتی است یا فقدان توجه نسبت به وضعیت اموال دارای مالکیت خصوصی است. ماده (۵۶۱) همین قانون، اقدام به خارج کردن هرگونه اموال تاریخی-فرهنگی (شامل اموال دولتی و خصوصی) از کشور، اعم از اینکه خروج از کشور به صورت دائمی و یا موقت باشد-را قاچاق دانسته و مرتکب را مشمول مجازات مقرر در آن ماده دانسته است. لذا این ماده در زمینه خروج اموال فرهنگی تاریخی متعلق به مردم، از کشور ابهامی ندارد. ماده (۵۶۲) قانون مذکور، صرفاً حفاری به قصد تحصیل و قاچاق اشیای عتیقه را جرم‌انگاری کرده است و در مورد مالکیت اموال فرهنگی تاریخی در اختیار مردم و دارندگان خصوصی، ساکت است. سکوت این ماده از سویی می‌تواند نقص قانون به حساب آمده و بلا تکلیفی‌های دیگری در مورد نحوه برخورد مراجع انتظامی و قضایی با این‌گونه دارندگان را ایجاد کند و ابهاماتی نیز در زمینه نحوه اقدام و مدیریت اجرایی این دسته از اموال منقول را از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به عنوان متولی قانونی حفاظت از میراث فرهنگی، موجب شود. از سوی دیگر، سکوت مذکور می‌تواند، نوعی تأیید مالکیت اموال فرهنگی تاریخی منقول-که از طریق توارث به دارندگان فعلی رسیده است-به شمار آمده و لذا هرگونه اقدام به نگهداری، جابجایی (به جز خروج از کشور)، انتقال مالکیت، نمایش، فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با آنها و غیره مجاز دانسته شود.

### ■ فقدان قانون مربوط به اموال منقول مجاز در زمره نفایس ملی و منحصر به فرد

فقدان قانون مشخص در زمینه اموال فرهنگی تاریخی منقول مجاز در اختیار مردم، به نوعی **اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** [۷] نیز مرتبط است.<sup>۱</sup> از آنجایی که برخی از اموال منقول مجاز (از جمله حاصل از توارث) در زمره نفایس ملی و مشمول اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند، لذا خارج کردن آنها از کشور در نقض صریح این اصل است. با این وجود ضوابط مربوط به شناسایی این‌گونه اموال و طبقه‌بندی آنها از حیث نفایس ملی و نفیس منحصر به فرد، موضوع اصل (۸۳) قانون اساسی، و سایر اشیای ارزشمند ایجاد نشده است.

همچنین ضوابط نگهداری، حمل و نقل، خرید و فروش و خارج کردن این‌گونه اموال از کشور وجود ندارد. این امر بر موضوع استرداد اموال فرهنگی تاریخی نیز اثرگذار است. زیرا بسیاری از اموال متعلق به مردم، خواه نفیس و خواه غیر نفیس، در اختیار دلالان این‌گونه اموال قرار گرفته و توسط مؤسسات حراج کشورهای خارجی، بدون نظارت دولت و مشخصاً وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در معرض فروش قرار می‌گیرند. با اینکه این اموال، مالکیت خصوصی دارند و در ظاهر امر مشمول اصل (۸۳)-که صرفاً به اموال منقول دولتی اشاره کرده است-نیستند، اما نباید از نظر دور داشت که میراث فرهنگی ایران خواه اموال دولتی و خواه اموال دارای مالکیت خصوصی، به کلیت جامعه تعلق دارد و هر یک از موارد فروش اموال منقول مجاز در خارج از کشور، موجب فقر میراث فرهنگی کشور ایران می‌شود. در نتیجه اعمال حاکمیت بر بخش خصوصی اموال فرهنگی تاریخی نیز باید این امر تابع ضوابط جداگانه و متفاوت از اموال بخش دولتی باشد.

### ■ فقدان قوانین در زمینه مالکیت دولت بر اموال فرهنگی تاریخی حاصل از حفاری‌های غیر مجاز

از دیگر کاستی‌های قانونی مرتبط با امر استرداد، فقدان تصریح قوانین ایران بر مالکیت دولت بر اموال فرهنگی تاریخی است. با اینکه حفاظت از میراث فرهنگی در ایران، امری حاکمیتی است اما هیچ یک از قوانین این حوزه اشاره‌ای به مالکیت دولت بر این اموال نکرده‌اند. این موضوع در پرونده استرداد ۱۸ قلم اشیای جیرفت از گالری برکت، مورد توجه قاضی دادگاه لندن قرار گرفته بود. در این راستا بنا به پیشنهاد وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، لایحه دو فوریتی استفساریه ماده (۲۶) قانون مدنی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این لایحه در جلسه علنی روز ۵ تیر ماه ۱۳۸۷ با اصلاحاتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.<sup>۲</sup> با این حال این لایحه به تأیید نهایی شورای نگهبان نرسیده و لازم‌الاجرا نشد. بدین ترتیب هنوز قانونی که در آن تصریح بر مالکیت دولت بر اموال فرهنگی تاریخی حاصل از حفاری‌های

۱. اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

۲. لایحه استفساریه ماده (۲۶) قانون مدنی ماده واحده-آیا ماده (۲۶) قانون مدنی اصلاحی ۱۲ آبان ماه ۱۳۷۰ که مقرر می‌کند: اموال دولتی که معداست برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات، قلاع، خندق‌ها، خاکریزهای نظامی، قورخانه، اسلحه، ذخیره، سفاین جنگی و همچنین اثاثیه، ابنیه، عمارات دولتی، سیم‌های تلگرافی دولتی، موزه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه که از امواله منقول و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست و همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد. مبین مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر اموال فرهنگی-تاریخی منقول زیر خاکی است یا خیر؟  
نظر مجلس:

بلی همواره در مالکیت دولت بوده و خواهد بود.

مصوبه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ پنجم تیر ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.



غیرمجاز یا سایر اموال فاقد مالکیت خصوصی شده باشد، در کشور موجود نیست.

شایان ذکر است که مصوبه شماره ۱۱۲۹۰۷ / ت ۲۸۳۳۹ ه مورخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۸۶ هیئت وزیران، مبنی بر تأیید مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران بر اموال فرهنگی، تاریخی منقول زیرخاکی<sup>۱</sup> در راستای همین امر تصویب شد. با این وجود، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، طی رأی شماره ۵۶۸، این مصوبه را ابطال کرد. این رأی همچنین در تضاد با قوانین حوزه میراث فرهنگی به ویژه فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که هرگونه حفاری و کاوش به قصد کشف عتیقه جات (اشیای تاریخی فرهنگی) حتی در ملک شخصی را نیز جرم‌انگاری کرده است تا میراث فرهنگی به عنوان ثروتی متعلق به عموم جامعه حفاظت شود.

## ۶. چالش‌های استرداد در حوزه اجرایی

فقدان موفقیت ایران در زمینه بازگرداندن اموال ایرانی مسروقه و به‌طور غیرقانونی خارج شده، صرفاً به دلیل کاستی‌های موجود در حوزه قوانین نیست. بلکه بخش عمده‌ای از این ناکامی، به دلیل ضعف اقدام در حوزه اجرایی است. در ذیل به برخی از کاستی‌های حوزه اجرایی در زمینه استرداد اشاره می‌شود.

### ■ فقدان تشکیل کمیته استرداد اموال فرهنگی تاریخی

مطابق ماده (۲۳) آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی، مصوب شورای امنیت کشور ۱۳۸۱ [۸] مقرر شد «کمیته ملی استرداد اموال تاریخی - فرهنگی ایران موجود در خارج از کشور» با حضور نمایندگان نهادهای مرتبط «برای سیاستگذاری و انجام هماهنگی» در امور استرداد که در بندهای ذیل ماده تشریح شده‌اند، تشکیل شود. این پیش‌بینی بدین معناست که استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایرانی، موضوعی با درجه اهمیت ملی است و نیاز به مشارکت همه جانبه دستگاه‌های ذی‌ربط دارد. با این وجود کمیته موردنظر حداقل دو دهه است که تشکیل نشده<sup>۲</sup> و همچنین اقدام‌های مذکور در بندهای شش‌گانه این ماده به مرحله اجرا گذارده نشده‌اند.<sup>۳</sup>

### ■ نبود بایگانی‌های اموال فرهنگی تاریخی ایرانی

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های موجود در حوزه استرداد، فقدان بایگانی اموال فرهنگی تاریخی مفقود یا مسروقه ایران از بدو تصویب قانون ۱۳۰۹ تا زمان حاضر است. به طوری که هیچ‌گونه اطلاعات دقیق، مستند و تصاویر اشیایی که در سده‌ها و دهه‌های پیشین از محوطه‌های فرهنگی تاریخی و مجموعه‌های اموال مفقود شده یا به‌طور غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند، وجود ندارد. اگرچه اشیای موردنظر پیش از تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور و عمدتاً در دهه‌های نخست قرن گذشته از محوطه‌های باستان‌شناسی سرقت شده و اطلاعات دقیق راجع به نحوه خارج کردن آنها از کشور در دست نیست اما یک رویه نظام‌مند ویژه تحقیق و پژوهش راجع به آثار ایرانی موجود در موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی، دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی پژوهشی خارجی و اطلاعات مربوط به نحوه تحصیل هر یک از آنها اتخاذ نشده است. این در حالی است

۱. متن تصویب‌نامه موردنظر: «با صلوات بر محمد و آل محمد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱ مهر ماه ۱۳۸۶ بنا به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد اموال فرهنگی، تاریخی منقول زیرخاکی جز اموال عمومی و مالکیت آنها متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران است.» با این حال هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، طی رأی شماره ۵۶۸، این مصوبه را ابطال کرد. این رأی همچنین در تضاد با قوانین حوزه میراث فرهنگی به ویژه فصل نهم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است که هرگونه حفاری و کاوش به قصد کشف عتیقات حتی در ملک شخصی را نیز جرم‌انگاری کرده است تا میراث فرهنگی به عنوان ثروتی متعلق به عموم جامعه حفاظت شود.

۲. اخبار موجود در رسانه‌ها دلالت بر تشکیل کمیته استرداد اموال فرهنگی تاریخی دارند. از جمله نک: «فعالیت کمیته استرداد اموال منقول تاریخی خارج از کشور شروع شد»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷، کد خبر ۴۵۲۱۹۶۴. با این وجود و به‌رغم اخبار منتشره، کمیته موردنظر هنوز تشکیل نشده است.

۳. آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی کشور، مصوب سال ۱۳۸۱ شورای امنیت کشور، ماده (۲۳) «کمیته ملی استرداد اموال تاریخی - فرهنگی ایران موجود در خارج از کشور، با حضور نمایندگان وزارت کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، کمیته ملی یونسکو، سازمان اوقاف و امور خیریه، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات، به ریاست رئیس سازمان میراث فرهنگی و به منظور سیاستگذاری و انجام هماهنگی در امور ذیل تشکیل می‌شود. الف) شناسایی اموال تاریخی - فرهنگی ایران موجود در خارج از کشور که به‌طور غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند.

ب) انجام اقدام‌های فرهنگی - سیاسی و حقوقی لازم از طریق سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی و در حدود معاهدات بین‌المللی موجود برای استرداد اموال تاریخی - فرهنگی ایرانی از خارج از کشور.

ج) کسب اطلاع به موقع از حراج‌های بین‌المللی اموال تاریخی - فرهنگی و انجام اقدام‌های کارشناسی، تکمیل مدارک و طرح دعوی، توقیف حراج و پیگیری حقوقی موضوع تا حصول نتیجه نهایی.

د) انتشار کتاب مصور مشخصات اموال تاریخی - فرهنگی مسروقه ایرانی و توزیع آن در سطح بین‌المللی جهت جلوگیری از خرید این قبیل اموال.

ه) انجام اقدام‌های لازم برای طرح و پیگیری دعوی حقوقی موضوع این ماده در خارج از کشور.

و) جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی اموال فرهنگی - تاریخی در حدود معاهدات بین‌المللی موجود.»

که مطابق بند «الف» ماده (۲۳) آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی، مصوب شورای امنیت کشور «شناسایی اموال تاریخی - فرهنگی ایران موجود در خارج از کشور که به‌طور غیرقانونی از کشور خارج شده‌اند» پیش‌بینی شده بود. طبعاً در صورت شناسایی این‌گونه اموال، بخشی از اطلاعات مورد نیاز بایگانی موردنظر در مورد اموال شناسایی شده و موجود، تکمیل خواهد شد.

در برخی پرونده‌های دادخواهی نزد محاکم خارجی که ارائه اسناد متقن نزد دادگاه کشور مقصد جهت اثبات مالکیت ایران و خروج غیرقانونی اشیای موردنظر لازم بوده است، به دلیل فقدان بایگانی‌های داخلی یا اساساً هر گونه مدرک و مستندات و شواهدی که بر ایرانی بودن و خروج غیرقانونی اثر دلالت کند، تنها به ذکر دانسته‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی انتشار یافته داخلی، خارجی یا شهادت افراد صاحب‌نظر و مورد وثوق بین‌المللی نزد دادگاه، وجود نمونه مشابه شیء در داخل کشور و یا اسناد به اسناد موجود در بایگانی‌های کشورهای دیگر اکتفا می‌شود.<sup>۱</sup>

### ■ نبود پایگاه اطلاعات جامع میراث فرهنگی و اشیای موجود و مسروقه

وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی فاقد یک پایگاه اطلاع‌رسانی جامع حاوی کلیه اطلاعات مربوط به محوطه‌های باستان‌شناسی، کاوش‌های انجام شده، اشیای مکشوفه و نیز اشیاء و قطعه‌های مفقوده احتمالاً سرقت شده هر یک از آنهاست. در حال حاضر، بسیاری از قطعات مجموعه بی‌بدیل تخت جمشید در محل خود قرار ندارند اما اطلاعات این قطعه‌ها شامل زمان سرقت، نحوه خارج شدن آنها از کشور یا محل نگهداری فعلی آنها نیز موجود نیست. در حالی که بخش مهمی از این قطعه‌ها به‌طور واضح در موزه‌ها و مؤسسات گوناگون خارجی نگهداری می‌شوند، برای شناسایی این قطعات نیز تلاشی صورت نگرفته است.

در واقع درج اطلاعات کامل و مستند به تصاویر دقیق و یا تصاویر اموال مشابه در پایگاه موردنظر، نوعی اعلام مفقودی و مسروقه بودن اموال ایرانی به جهانیان است. این امر همچنین، حاوی این پیام صریح به سوداگران اموال فرهنگی تاریخی ایرانی و خریداران آنهاست که در صورت هر گونه اقدام به حراج و یا خرید و فروش این‌گونه اموال، وزارت علیه دارندگان فعلی نزد محاکم و مراجع قضایی کشورهای مقصد دادخواهی می‌کند. بدیهی است در هر یک از دادخواهی‌های احتمالی آتی، این اعلام جهانی مورد توجه دادگاه قرار گرفته و در صدور رأی به نفع ایران، مؤثر است.

به نظر می‌رسد پیش‌بینی مقرر در بند «د» ماده (۲۴) آیین‌نامه حفاظت میراث فرهنگی مصوب شورای امنیت کشور، یعنی «انتشار کتاب مصور مشخصات اموال تاریخی - فرهنگی مسروقه ایرانی و توزیع آن در سطح بین‌المللی جهت جلوگیری از خرید این قبیل اموال» بر پایه همین استدلال صورت گرفته بود. با این حال کتاب موردنظر منتشر نشده است.

### ■ فقدان اطلاع‌رسانی به موقع از حراج‌های بین‌المللی اموال تاریخی - فرهنگی

به تبع فقدان وجود بایگانی‌ها و پایگاه اطلاع‌رسانی مستند اموال مسروقه ایرانی، اقدام‌های مؤسسات حراج بین‌المللی بر خرید و فروش اموال ایرانی، به صورتی نظام‌مند رصد نمی‌شود. در نتیجه وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری عمدتاً از این‌گونه خرید و فروش‌ها بی‌اطلاع است. این در حالی است که بند «ج» ماده (۲۴) آیین‌نامه حفاظت میراث فرهنگی، «کسب اطلاع به موقع از حراج‌های بین‌المللی اموال تاریخی - فرهنگی و انجام اقدام‌های کارشناسی، تکمیل مدارک و طرح دعوی، توقیف حراج و پیگیری حقوقی موضوع تا حصول نتیجه نهایی» را مقرر داشته است. در عوض، بر خورد وزارت با موضوع‌های استرداد، عموماً به‌صورت موردی و تصادفی است و گاه نیز پس از درج خبر حراج در رسانه‌ها و یا فضای مجازی و یا با دریافت اطلاعاتی از سوی متخصصان و دست‌اندازان میراث فرهنگی در خارج ایران، از موضوع حراج یا وقوع اشیای ایرانی در اختیار موزه‌های خارجی مطلع می‌شود.<sup>۲</sup> یعنی اینکه در صورت اطلاع از قصد یک مؤسسه حراج به فروش یک شی

۱. به‌عنوان مثال در دفاعیات مربوط به رفع توقیف از الواح تخت جمشید و یا استرداد سنگ برجسته منقوش به سر سرباز سپردار هخامنشی از نیویورک در سال ۱۳۹۷، با توجه به موجود نبودن مدارک مثبت در بایگانی‌های داخلی، به مدارکی از بایگانی اسناد مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو استناد شد.

۲. وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی به دنبال اطلاع‌رسانی از جانب متخصصان و دست‌اندازان میراث فرهنگی ایران در خارج از کشور، از حراج یک قطعه سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی توسط تفاف نیویورک در سال ۱۳۹۶، وقوع دو قطعه سنگ برجسته متعلق به تخت جمشید در اختیار موزه باریبه مولر سوئیس، و قضیه ۵۱ قطعه کاشی‌های قلابی در کشور سوئیس، اطلاع حاصل کرد. وزارت مذکور به دنبال این اطلاع‌رسانی‌ها، اقدام‌های لازم جهت درخواست توقیف حراج سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی در نیویورک و بازگرداندن آن به ایران را آغاز کرد. همچنین اقدام‌های حقوقی و اجرایی لازم در زمینه بازگرداندن دو قطعه در اختیار موزه باریبه مولر سوئیس و نیز کاشی‌های قلابی از کشور نامبرده را به عمل آورد. همچنین با درج خبر حراج اوراق قرآن کوفی به سرقت رفته از موزه پارس شیراز، توسط مؤسسات حراج کریستیز و پلاکس لندن، توسط یک محقق قرآن‌پژوه به نام مرتضی کریمی‌نیا در فضای مجازی در سال ۱۴۰۲، وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، اقدام‌های قضایی لازم برای توقیف حراج توسط مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری را آغاز کرد.



ایرانی، به واسطه درج خبر مربوطه در رسانه‌های داخلی، وزارت متوجه فقدان شی مربوطه شده و اقدام قضایی برای توقیف حراج مورد نظر را آغاز می‌کند.<sup>۱</sup> این موضوع در مورد اموال تحت اختیار سایر دستگاه‌ها نیز صدق می‌کند. به عنوان مثال می‌توان به اقدام موزه امام علی (ع) نسبت به فروش تعدادی از تابلوهای موزه هنرهای معاصر در کشور امارات اشاره کرد که وزارت پس از فروش تابلوهای مورد نظر در کشور امارات، از موضوع آگاه شد.<sup>۲</sup>

### ■ فقدان انتشار گزارش‌های مستند مربوط به اشیای مسترد شده به ایران

با اینکه در دهه‌های اخیر مواردی از موفقیت ایران در استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه از طریق دادخواهی قضایی در سطح بین‌المللی و نیز در چارچوب کنوانسیون ۱۹۷۰ صورت گرفته و مقادیر قابل توجهی از اموال ایرانی به خاستگاه خود بازگردانده شده‌اند، اما هنوز گزارش‌های دقیق و مستند این موارد استرداد همراه با همه جزئیات کارشناسی و حقوقی ذی‌ربط منتشر نشده است. مستندسازی این موارد، صرف نظر از کاربرد پژوهشی آنها در زمینه‌های حقوقی، می‌تواند در سایر پرونده‌های استرداد اموال ایرانی در سطح داخلی و بین‌المللی، مبنای عمل قرار گرفته و مفید واقع شود. با این وجود، نه تنها مردم بلکه مسئولان مرتبط و یا حتی مدیران و مسئولان مجموعه میراث فرهنگی نیز به دلیل فقدان تهیه و انتشار گزارش‌ها از جانب وزارت، از اطلاعات دقیق و مفصل مربوط به موارد استرداد و یا اشیای مسترد شده به کشور بی‌اطلاع هستند و اخبار مربوطه را از طریق رسانه‌های خبری دنبال می‌کنند.<sup>۳</sup>

### ■ تعارض در تصمیم‌ها و اقدام‌های حوزه استرداد

گاه در پیگیری موضوع‌های استرداد جدیت لازم و اقدام به موقع وجود ندارد. به عنوان مثال، در خصوص بازگرداندن الواح تخت جمشید، وزارت، در مقابل تعلل مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو موضع واحدی اتخاذ نکرده است. با توجه به صدور رأی به رفع توقیف الواح مورد نظر توسط دادگاه عالی آمریکا در اسفند ۱۳۹۶، هیچ‌گونه مانعی در ایفای تعهد مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به بازگرداندن الواح امانی تخت جمشید به طور یکجا به ایران، طبق توافق صورت گرفته با دولت وقت ایران در سال ۱۳۱۳، وجود نداشته است.<sup>۴</sup> پس از صدور رأی مورد نظر به رفع توقیف الواح در اسفند ۱۳۹۶، معاونت میراث فرهنگی وزارت در مکاتبات با مؤسسه، مکرراً بر لزوم بازگرداندن الواح به صورت یکجا تأکید

۱. به عنوان نمونه می‌توان به انتشار خبر فروش تابلوی مظفرالدین شاه، اثر کمال‌الملک، توسط مؤسسه حراج کریستیز لندن در تابستان ۱۴۰۱ اشاره کرد. بلافاصله پس از انتشار خبر، وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، تحقیقات راجع به موضوع را آغاز کرد و مشخص شد که تابلوی مورد نظر که در سال ۱۳۷۹ توسط مؤسسه حراج کریستیز به قیمت ۴۴ هزار و ۶۵۰ پوند فروخته شده بود، سال‌ها قبل - در زمانی نامعلوم - از مجموعه اموال کاخ گلستان سرقت شده بود. وزارت مذکور مدعی شد که هیچ‌گونه اطلاعی از زمان مفقود شدن اثر و همچنین از برگزاری حراج مورد نظر نداشته است. موزه نامبرده وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران با مشارکت یکی از مؤسسات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اقدام به خارج کردن تعدادی از تابلوهای بسیار ارزشمند این موزه از کشور تحت عنوان برگزاری نمایشگاه در کشور امارات متحده عربی کرده و در نهایت - حسب اطلاعات منتشره در فضای رسانه‌ای کشور - تعداد سی تابلو از این مجموعه در کشور نامبرده به فروش رساند. با اینکه طبق ادعای سازمان مذکور، تابلوهای مورد نظر، جزو تابلوهای هنری بوده و در زمره میراث فرهنگی به شمار نمی‌رفتند، اما، این اقدام به چند دلیل واجد اشکال بود. نخست آنکه بنا به تأکید اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه انتقال اموال دولتی در زمره نفایس به غیر منوط به اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی است و در موارد نفایس منحصر به فرد حتی با مجوز مجلس نیز مجاز نیست. به علاوه طبق بند «۳» ماده (۱۷۹) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب سال ۱۳۹۹ دولت موظف است پیش از اقدام برای فروش نفایس ملی به‌جز نفایس منحصر به فرد، لایحه مربوطه را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. از آنجایی که مطابق تبصره الحاقی ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب سال ۱۳۸۲ هیئت وزیران، وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، مرجع تشخیص نفایس است لذا ضرورت داشت برای تشخیص نفایس یا غیر نفایس بودن تابلوهای مورد نظر و شمول یا نبود شمول اصل (۸۳) بر این تابلوها، قبلاً نظر این وزارت در خصوص مورد استعلام می‌شد. به علاوه بنابر آیین‌نامه اموال فرهنگی هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ هیئت وزیران، خارج کردن اموال فرهنگی تاریخی و هنری درجه یک برای شرکت در نمایشگاه‌های خارج از کشور، آن هم به صورت موقت و در صورتی که از نفایس نباشند، مستلزم تأیید سازمان میراث فرهنگی کشور (وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی) و سپس تصویب هیئت وزیران است. در مورد خروج موقت اموال تاریخی، فرهنگی و هنری درجه دو و سه صرفاً موافقت وزارت مذکور لازم است؛ طبق ماده (۳) آیین‌نامه فوق‌الذکر «کلیه اموال فرهنگی - تاریخی و هنری دولتی که در اختیار وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی غیر دولتی و دستگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی است، بر اساس فرم‌ها و دفاتر مندرج در این آیین‌نامه توسط دستگاه دارنده ثبت و یک نسخه از آنها به سازمان میراث فرهنگی کشور (وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی) و وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال خواهد شد. فقدان انجام مفاد این ماده، موجب پیگرد قانونی خواهد بود». همچنین مطابق ماده (۱۴) آیین‌نامه مورد نظر، موزه‌های تخصصی دستگاه‌های مشمول، تحت نظارت وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هستند. شایان توجه است که طبق ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، مؤسسات عمومی غیر دولتی از جمله شهرداری‌ها نیز در زمره دستگاه‌های اجرایی به شمار رفته و لذا اموال در اختیار آنها نیز مشمول اموال دولتی موضوع اصل (۸۳) و آیین‌نامه اموال فرهنگی هنری و تاریخی هستند. با این حال و به رغم مواد ذکر شده و با وجود مکاتبات مکرر از جانب وزارت، موزه نامبرده هیچ‌گونه اقدامی به ثبت اموال در اختیار خود از جمله تابلوهای به فروش رفته در سامانه «جام» مربوط به موزه‌ها کرد.

با خارج کردن تابلوهای مورد نظر از ایران و فروش آنها توسط یک نهاد عمومی غیر دولتی بدون نظارت نهاد متولی یعنی وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، بیم آن می‌رود که این رویه غیر قانونی، تثبیت شده و به سایر نهاد‌های دولتی نیز تسری یابد. در ضمن با توجه به نبود نظارت وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی بر موضوع، مشخص نیست که اشیای مورد نظر نفایس بوده و در نقض اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به غیر منتقل شده‌اند یا خیر.

۳. در قضیه استرداد الواح تخت جمشید، برخی از مسئولان سازمان پیشین میراث فرهنگی کشور تصور می‌کردند که همه الواح امانی تخت جمشید پیش از انقلاب به موزه ملی بازگردانده شده بود. در حالی که قطعه‌های مسترد شده تنها تعداد محدودی از الواح سالم و مابقی قطعه‌های خرده الواح بود. برخلاف این تصور نادرست، «عبدالمجید ارفعی توانست ثابت کند که الواح و کتیبه‌ها در پنجاه صندوق از ایران خارج شده بود و تنها سه صندوق آن به ایران بازگردانده شده است»، نک: پایان ماجرای الواح هخامنشی به نفع ایران. همشهری کد مطلب ۷۷۰۷.

۴. مدیرکل حقوقی و املاک وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی پس از صدور رأی به رفع توقیف الواح توسط دیوان عالی آمریکا گفته بود: برای بازگشت الواح هخامنشی به ایران دیگر معنی نیست. نک: دیوان عالی آمریکا چطور الواح هخامنشی را به ایران برگرداند؟ خبرگزاری دانشجویان ایران، کد خبر: ۹۶۱۲۰۳۰۱۳۷۳.

کرد اما در عمل، مؤسسه با ذکر دلایل یا بهانه‌هایی چون تحریم جمهوری اسلامی ایران، فقدان امکان بیمه نقل و انتقال الواح به ایران و یا لزوم اخذ مجوز خروج محموله‌های جداگانه الواح توسط اداره خزانة داری آمریکا از این کشور، تنها بخشی از الواح را در محموله‌های جداگانه - در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ به ایران بازگردانده و هنوز بخش مهمی از این کتیبه‌های ارزشمند در اختیار مؤسسه است.<sup>۱</sup> به علاوه مؤسسه نسبت به درخواست وزارت در ارائه فهرست کامل الواح، پاسخی ارائه نکرده است. به نظر می‌رسد این موضوع مؤید نوعی تعامل یا تسامح نسبت به استرداد الواح تخت جمشید، به عنوان حق مسلم ملت ایران است.

نکته مهم دیگر آن است که اطلاعات موجود در خطوط و نقوش کتیبه‌های تخت جمشید، بخش مهمی از تاریخ و میراث فرهنگی ایران است لذا بر اساس تعهد انجام شده در سال ۱۳۱۳، ارائه دو نسخه از پژوهش‌های انجام شده توسط مؤسسه به ایران، ضرورتی اکید بوده است. این تعهد نیز از جانب مؤسسه انجام نشده و مطالبه‌گری لازم و کافی در این خصوص از جانب وزارت نیز صورت نگرفته است. با توجه به رأی به رفع توقیف یک مجموعه فرهنگی متعلق به ملت ایران توسط یک مرجع قضایی آمریکا، برخورد قضایی با مؤسسه به دلیل تعلل در ایفای به تعهد قبلی در بازگرداندن کامل این اشیای ارزشمند پس از نود سال در اختیار داشتن امانی آنها از جانب ایران، لازم است. با این وجود در این خصوص نیز اقدامی از جانب وزارت صورت نگرفته است.

### ■ کفایت ناکافی اقدام‌های فرهنگی - سیاسی و حقوقی لازم در امر استرداد

یکی دیگر از تمهیدهای پیش‌بینی شده در آیین‌نامه حفاظت میراث فرهنگی، «انجام اقدام‌های فرهنگی - سیاسی و حقوقی لازم از طریق سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی و در حدود معاهدات بین‌المللی موجود برای استرداد اموال تاریخی - فرهنگی ایرانی از خارج از کشور» (بند «ب» ماده (۲۴)) است. با این وجود از این ظرفیت مهم نیز استفاده چندانی صورت نگرفته است.

به نظر می‌رسد غالب موزه‌ها و مؤسسات دارنده اموال ایرانی، بعضاً از غیرقانونی بودن خروج آنها از ایران آگاهند اما در موارد مختلف دادخواهی، عموماً این موضوع را انکار کرده و مدعی هستند که اموال مربوطه را به شیوه‌های قانونی تحصیل کرده‌اند. لذا با استرداد این اشیاء به کشور مبدأ، قویاً مخالفت می‌کنند. با این وجود موافقت اولیه موزه رویال اونتاریو کانادا به تحویل قطعه دوم سنگ برجسته منقوش به سر سرباز هخامنشی سپردار به ایران، استثنایی بر این امر است. این موزه با توجه به خاطر نشان کردن تصمیم دادگاه عالی نیویورک به تحویل قطعه دیگر سنگ برجسته موصوف به ایران در سال ۱۳۹۷ از جانب وکیل ایران، پیشنهاد وی برای تحویل قطعه در اختیار خود به ایران را پذیرفت. این موضوع بر اهمیت تصمیم صادره و تأیید مسروقه بودن شی موصوف توسط یک مقام قضایی آمریکا دلالت دارد و نمایانگر این واقعیت مهم است که موزه‌های خارجی با اینکه منافع مادی حاصل از حفظ اشیای در تصرف خویش را به جدیت مورد توجه دارند اما برای حفظ اعتبار فرهنگی خود در جامعه موزه‌های بین‌المللی نیز اهمیت قائل هستند.

با این حال موزه نامبرده به رغم وعده‌های مکرر به بازگرداندن قطعه موصوف و با وجود جدا کردن آن از مجموعه اموالی خود، هنوز در بازگرداندن آن به ایران، بنا به دلایلی چون بروز همه‌گیری کرونا و سپس دلایل سیاسی، تعلل می‌کند. لذا در این گونه موارد که احتمال و ظرفیت بازگرداندن اشیای ایرانی به میهن بدون هزینه‌های گزاف دادرسی قضایی وجود دارد، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و همچنین بهره‌برداری از حمایت ایرانیان و دوستداران میراث فرهنگی ایران در جلب اذهان جهانی به لزوم استرداد اشیای مسروقه به خاستگاه آنها و ترغیب موزه‌ها به استرداد این اموال به موطن خود، می‌تواند مؤثر واقع شود.<sup>۲</sup>

۱. معاونت میراث فرهنگی طی نامه شماره ۹۸۲۵۰۰/۱۰۸۲۴ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۲ عنوان مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری اظهار داشته بود که زمان‌بندی تحویل چند مرحله‌ای الواح از جانب مؤسسه مورد تأیید آن معاونت نیست و معاونت در نظر دارد در سفر قریب‌الوقوع هیئت اعزامی از جانب مؤسسه جهت تحویل نخستین محموله الواح پس از صدور رأی رفع توقیف الواح توسط دادگاه عالی آمریکا (حاوی ۱۷۸۴ قطعه لوح در مهر ماه ۱۳۹۸) درخواست اکید خود را برای بازگرداندن الواح به‌طور یکجا به مؤسسه اعلام کند و در صورت نبود واکنش مثبت مؤسسه به این درخواست، اقدام قضایی دیگر علیه مؤسسه با اتهام تعلل در اجرای تعهدات پیشین خود و تأخیر طولانی در بازگرداندن الواح امانی، ضروری است. با گذشت ۶ سال از این مکاتبه، نه الواح به‌طور یکجا به ایران مسترد شده‌اند و نه از مؤسسه به اتهام فوق، طرح شکایت شده است. ذکر این نکته نیز باید که در یکی از مشاوره‌های ارائه شده از جانب مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و شعبه لاهه به وزارت، پیگیری قضایی نزد مراجع آمریکا با طرح موضوع فقدان ایفای تعهدات مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به دلایلی چون طولانی بودن دادرسی و هزینه‌های گزاف مربوطه، توصیه نشد و در عوض پیشنهاد شد موضوع از طریق تعامل و همکاری با مؤسسه حل و فصل شود.

۲. در سال ۲۰۰۹ حدود هفتصد ایرانی‌شناس و دوستداران میراث فرهنگی ایران، طی مکاتبه‌ای با رئیس جمهور آمریکا خواستار جلوگیری از مصادره و فروش الواح تخت جمشید به نفع شاکیان پرونده «روبین علیه ایران» شدند.



## ۷. استرداد اموال فرهنگی تاریخی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل



پیشینه استرداد اموال فرهنگی به تاراج رفته به اوایل قرن نوزدهم باز می‌گردد. پس از شکست ناپلئون اول، در سال ۱۸۱۵ کنگره وین توسط قدرت‌های متفق برگزار شده و با امضای دومین معاهده پاریس، زمینه بازگرداندن آثار هنری و فرهنگی که توسط نیروهای فرانسوی از کشورهای اروپایی به یغما رفته بود به کشورهای مبدأ آنها فراهم شد. با این حال این معاهده صرفاً مربوط به کشورهای مذکور قابل اعمال بود. متعاقباً در جریان شکل‌گیری حقوق بشر دوستانه در فاصله سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۹۵۴ کنوانسیون‌هایی به تصویب رسیدند که برای نخستین بار غارت اموال فرهنگی هنری کشورها را مذموم اعلام کردند. موضوع کنوانسیون لاهه برای به‌حمایت از اموال فرهنگی در زمان درگیری‌های مسلحانه، به موضوع ممنوعیت غارت، تاراج و تخریب میراث فرهنگی کشورها در زمان جنگ پرداخت. اما دو کنوانسیون ۱۹۷۰ و کنوانسیون ۱۹۹۵ یونیدرویت مشخصاً مربوط به قواعد حقوق بین‌المللی راجع به استرداد اموال فرهنگی تاریخی هستند. با این پیشینه روشن است که قبل از تصویب کنوانسیون‌های مورد نظر هیچ‌گونه قواعد یا حتی عرف بین‌المللی در تقبیح سرقت و غصب میراث فرهنگی ملت‌ها توسط دیگر کشورها وجود نداشته است. با این حال، چنان که پیشتر شرح داده شد، عضویت در دو کنوانسیون اخیرالذکر مساعد به استرداد-دست‌کم در مورد بخشی از اموال ایرانی- به کشور نیست.

روشن نیست که قواعد بین‌المللی تا چه میزان از خواسته‌های ایران، برای بازگرداندن اموال ایرانی به تاراج رفته قبل و بعد از تصویب قانون ۱۳۰۹ (به شرح قبلی) حمایت می‌کند. به‌عنوان مثال، باید از جانب دستگاه دیپلماسی کشور و همچنین مراجع حقوقی بین‌المللی کشور مشخص شود که آیا اقدام‌های انجام شده در خصوص استرداد پس از معاهده پاریس که در جریان کنگره وین در سال ۱۸۱۵ توسط قدرت‌های فاتح اتخاذ شد و اتفاقاً روسیه تزاری نیز در زمره این قدرت‌ها بود، الگوی مناسبی برای طرح خواسته استرداد کتاب‌های خطی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نزد مراجع قضایی بین‌المللی از جمله دیوان دادگستری لاهه است که در سال ۱۸۲۸، تنها ۱۵ سال پس از کنگره وین، توسط قوای روس غارت شده و به روسیه منتقل شد؟

همچنین باید مشخص شود که با اینکه این معاهده، استرداد اموال منتقل شده توسط نیروهای فرانسوی از کشورهای اروپایی را مدنظر قرار داد اما دست‌کم می‌توان به روح این معاهده در مذمت تاراج میراث فرهنگی کشورهای تحت اشغال، همچون ایران، استناد کرد؟ و کلا و متخصصان حقوق بر این باورند که برای طرح دعوی علیه دارندگان میراث فرهنگی ایران نزد محاکم کشورهای مقصد، نیاز به مستندات و قوانین متقن هست تا ثابت کند که این آثار به‌طور غیرقانونی از کشور خارج شده بودند. با این رویکرد دلیلی بر طرح خواسته استرداد اموالی که پیش از تصویب قانون ۱۳۰۹ آثار ایرانی از کشور خارج شده بودند، وجود ندارد و دادخواهی ایران در این خصوص به جز صرف هزینه‌های گزاف حق‌الوکاله و دادرسی، حاصلی نداشته و محکوم به شکست است. با این وجود این پرسش مطرح است که آیا همین موضوع که ثروت ملی کشور اتفاقاً در غیاب قوانین قاطع و متقن حمایت از میراث فرهنگی بدون رضایت مالکان اصلی یعنی عموم مردم، از کشور خارج شده‌اند، دلیل قاطعی بر حقانیت ایران نیست؟ روشن است که باستان‌شناسان خارجی در یک دوره خاص تاریخی از اواخر دوران قاجار و در نبود آگاهی‌های عمومی و در سایه بی‌درایتی شاهان، دولتمردان و حکام میراث کشور را غارت کردند.

این ادعا وجود دارد که پیش از تشکیل قواعد حقوق بین‌الملل به شکل امروزی، آثار فرهنگی از سرزمین‌های مختلف جابه‌جا شده‌اند. در ایران سرقت اموال تخت جمشید در سده‌های قبلی، انتقال حجم کثیری از اموال بی‌بدیل محوطه باستان‌شناسی شوش توسط هیئت کاوش فرانسوی یا انتقال کتاب‌های نفیس بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی توسط نیروهای مهاجم روس از اردبیل به روسیه در اوایل قرن نوزدهم در این شرایط صورت گرفته است. به جز غارت این کتاب‌ها در شرایط جنگی که خود تابع قواعد بین‌الملل زمان جنگ یا حقوق بشر دوستانه است، سایر موارد ظاهراً با اجازه سلاطین و مقامات مسئول محلی به خارج از ایران منتقل شده‌اند. اما با توجه به هنجارهای بین‌المللی کنونی راجع به اهمیت حفظ میراث فرهنگی هر کشور در جایگاه اصلی آن و مذموم بودن انتقال اموال فرهنگی تاریخی ملت‌ها به‌خصوص در زمان درگیری‌های مسلحانه، استناد به اجازه مقامات کشور در سده‌های پیشین، دلیل قابل قبولی برای محروم کردن ملت‌ها از میراث فرهنگی ایشان نیست.

امروزه طبق همه قواعد حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا و قوانین داخلی کشورها، انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی تاریخی ملت‌ها به خارج از کشور هایشان امری ناپسند شناخته می‌شود. با توجه به گسترش آگاهی جهانی نسبت به اهمیت حفظ میراث فرهنگی ملت‌ها به نفع نسل‌های حال و آینده ایشان و همچنین گسترش قواعد و حقوق بین‌المللی در این زمینه، باید تجدیدنظر کلی -در سطح جهانی- نسبت به تأیید انتقال‌های انجام شده پیش از تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع صورت پذیرد.

## ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در بخش‌های پیشین تشریح شد، حوزه استرداد از دو جهت، با چالش‌های جدی روبه‌روست. از یک سو قوانین پیشین، به نوعی مانع ادعا و دادخواهی‌های ایران برای استرداد برخی اموال ایرانی ارزشمند واقع در کشورهای خارجی هستند و از سوی دیگر، در مورد استرداد بخشی دیگر که به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده و مانعی قانونی در مورد آنها وجود ندارد، به دلیل ضعف و کاستی در حوزه اجرا چنان که شایسته میراث فرهنگی ایران است، اقدام کافی صورت نگرفته است. لذا تغییر رویکرد و رویه اجرایی و همچنین اصلاح برخی قوانین به شرح ذیل، ضرورت دارد.

### ۱۱ تشکیل کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایران و دبیرخانه

همان‌گونه که قبلاً در آیین‌نامه حفاظت میراث فرهنگی مصوب سال ۱۳۸۱ شورای امنیت کشور پیش‌بینی شده است، حوزه استرداد امری ملی است. لذا پیشنهاد این گزارش تصویب یک ماده واحده در مجلس شورای اسلامی با موضوع احیا کارگروه ملی استرداد توسط وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی با نظارت نهاد ریاست جمهوری ذیل این نهاد است. کارگروه موردنظر وظایف ذیل را به عهده خواهد داشت:

- برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری راجع به موضوع‌های استرداد و نظارت بر اجرای آنها؛
- برنامه‌ریزی راجع به اقدام‌های فرهنگی و حقوقی راجع به سایر اموال ایرانی که به صورت قانونی از کشور خارج شده‌اند و نظارت بر اجرای آنها؛
- نظارت بر اقدام‌های استرداد اموال فرهنگی تاریخی توسط وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی؛
- پیشنهاد و پیگیری تصویب قوانین و مصوبات لازم در زمینه استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایرانی توسط مراجع ذی‌صلاح. کارگروه موردنظر دارای یک دبیرخانه با شرح وظایف ذیل خواهد بود:
- رصد منظم مؤسسات حراج بین‌المللی جهت اطلاع از حراج اموال فرهنگی تاریخی ایران و انعکاس به وزارت جهت انجام اقدام‌های قانونی مربوط به استرداد این گونه اموال به کشور؛
- تحقیق راجع به آثار ایرانی واقع در گالری‌ها و مؤسسات خارجی و بررسی امکان یا نبود امکان طرح دعوی حقوقی علیه آنها؛
- ارجاع اقدام‌های مربوط به استرداد اموال فرهنگی تاریخی به نهاد تخصصی یعنی وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، پیگیری، هماهنگی و تهیه گزارش‌های مربوطه جهت ارائه به کارگروه؛
- ایجاد و به‌روزرسانی پایگاه اطلاع‌رسانی ملی اموال مسروقه ایران؛
- ایجاد مرکز بایگانی و اسناد اموال ایرانی کسری، مفقودی، مسروقه و قاچاق شده با استفاده از منابع و مراکز اسناد داخل و خارج از کشور؛
- مستندسازی و انتشار گزارش‌های مربوط به اموال فرهنگی تاریخی مسترد شده به ایران؛
- پیگیری تشکیل موزه اموال فرهنگی تاریخی مسترد شده به ایران توسط وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی؛
- تشکیل دبیرخانه اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع استرداد.



## ۲ اصلاح قوانین

با توجه به اهمیت ملی امر استرداد و ارتباط آن با وظایف چندین نهاد اجرایی از یک سو و تجربه ناکفایتی اقدام‌های مربوط به استرداد اموال فرهنگی تاریخی ایران توسط تنها یک نهاد متولی از سوی دیگر، پیشنهاد این گزارش آن است که تکلیف «اقدام‌های لازم جهت شناسایی و استرداد اموال فرهنگی ایران در سطح ملی و بین‌المللی از طریق مراجع ذی‌ربط» موضوع بند «۸» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، به کار گروه ملی مذکور در بند «۱» فوق‌الذکر تفویض شود. در این صورت باید ماده واحده پیوست این گزارش، طرح و تصویب شود.

همچنین برای نظارت مؤثر دولت بر نحوه نگهداری و حفاظت از اموال منقول مجاز در اختیار مردم به خصوص در راستای ضابطه‌مند کردن خروج این‌گونه اموال از کشور و به خصوص ممنوعیت خارج کردن اموال نفیس موضوع اصل (۸۳) قانون اساسی از ایران، پیشنهاد می‌شود پیش‌نویس «قانون ساماندهی اموال فرهنگی تاریخی منقول مجاز» از سوی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهیه و جهت تصویب مجلس تقدیم شود. باید در این قانون، کلیه ضوابط مربوط به تعریف اموال فرهنگی تاریخی منقول مجاز، نحوه احراز و اثبات مالکیت با رعایت حقوق مالکانه مردم، تهیه شناسنامه، طبقه‌بندی اموال، خرید و فروش، جابه‌جایی، محل نگهداری، ضوابط نمایش اشیا در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، نظارت توسط دولت و سایر ضوابط، مشخص شود [۱۶].

به‌علاوه پیشنهاد می‌شود بررسی و طرح و تصویب اصلاح قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی، مصوب سال ۱۳۵۳ با رویکرد اعلام حق شرط بر ماده (۴) این معاهده در دستور کار وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی صورت گیرد. استفاده از رویه مرسوم در سایر معاهدات مرتبط در این زمینه سودمند است.

## ۳ طرح گفت‌وگو بین‌المللی در زمینه اصلاح کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و وضع قواعد حقوق بین‌الملل مساعد استرداد

با توجه به امتیازهای الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۷۰ در امر استرداد اموال مسروقه به کشور، پیشنهاد این گزارش انصراف از عضویت جمهوری اسلامی ایران در این معاهده نیست بلکه پیشنهاد می‌کند یک گفت‌وگو بین‌المللی توسط دستگاه دیپلماسی کشور، با ایجاد هم‌سویی میان کشورهای مبدأ و قربانی تاراج میراث فرهنگی با هدف تشکیل شبکه جهانی در زمینه استرداد اموال فرهنگی تاریخی به کشورهای خود آغاز شود. باید هدف این گفت‌وگو طرح موضوع ضرورت بازبینی کلی و محتوایی بخش از کنوانسیون ۱۹۷۰ با تنظیم و تصویب یک سند مکمل نزد مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل و یونسکو توسط نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی نظیر مجمع تمدن‌های کهن<sup>۱</sup> باشد [۱۷]. هر چند ممکن است این پیشنهاد با واکنش و مخالفت سایر کشورهای عضو یا حتی یونسکو روبه‌رو شود اما طرح این موضوع در سطح جهانی، می‌تواند به نوعی آغازگر یک مطالبه‌گری بین‌المللی در زمینه اصلاح کنوانسیون ۱۹۷۰ یا تحت‌الشعاع قرار دادن آن به وسیله تصویب یک معاهده دیگر با عضویت کشورهای قربانی تاراج میراث فرهنگی ایشان توسط کشورهای مقصد به شمار آید.<sup>۲</sup>

در مجموع، هدف از گفت‌وگو بین‌المللی مورد نظر باید ایجاد حساسیت در افکار عمومی جهان نسبت به تاراج میراث فرهنگی کشورها به نحای مختلف و قبل یا پس از تصویب کنوانسیون ۱۹۷۰ باشد. این موضوع می‌تواند زمینه را برای وضع قواعد بین‌المللی لازم‌الاجرا در آینده

۱. مجمع تمدن‌های کهن یک گروهی سالیانه کشورهای ایران، عراق، یونان، چین، مصر، ایتالیا، پرو، بولیوی، مکزیک و ارمنستان به ابتکار یونان از سال ۲۰۱۷ بوده است. این گروهی به‌طور دوره‌ای و هر سال در یکی از کشورهای مربوطه برگزار شد و بیانیه‌هایی صادر کرد که موضوع مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی نیز یکی از محورهای مهم این بیانیه‌ها بوده است. قرار بود این گروهی هم‌بنای تشکیل یک سازمان بین‌المللی با همین عنوان باشد. عزت‌الله ضرغامی، وزیر پیشین میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی در آخرین نشست مجمع موصوف در کشور عراق، طرح برنامه عمل همکاری مشترک میان کشوری مربوطه به شرح فوق‌الذکر را مطرح کرده بود.

۲. لازم به ذکر است که معاونت میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی در پاسخ به استعلام نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در آذر ۱۴۰۱، ضمن طرح موضوع‌های فوق‌الذکر درخواست کرده بود تا «طرح ایجاد یک برنامه عمل همکاری مشترک میان کشورهای عضو مجمع تمدن‌های کهن با تمرکز بر مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی تاریخی و استرداد اموال به غارت رفته یا مسروقه ایشان و همچنین تشکیل یک کارگروه مشترک کشورهای مجمع تمدن‌های کهن جهت اجرایی کردن برنامه عمل موصوف» نزد مقامات این کشور مطرح شود. مجید تخت‌روانچی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، در سخنرانی خود در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۲۱ در مجمع عمومی سازمان ملل، این موضوع‌ها را به‌عنوان مواضع جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد و خواستار اصلاح کنوانسیون ۱۹۷۰ شد.

مجمع تمدن‌های کهن یک گروهی سالیانه کشورهای ایران، عراق، یونان، چین، مصر، ایتالیا، پرو، بولیوی، مکزیک و ارمنستان به ابتکار یونان از سال ۲۰۱۷ بوده است. این گروهی به‌طور دوره‌ای و هر سال در یکی از کشورهای مربوطه برگزار شد و بیانیه‌هایی صادر کرد که موضوع مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی نیز یکی از محورهای مهم این بیانیه‌ها بوده است. قرار بود این گروهی هم‌بنای تشکیل یک سازمان بین‌المللی با همین عنوان باشد. عزت‌الله ضرغامی، وزیر پیشین میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی در آخرین نشست مجمع موصوف در کشور عراق، طرح برنامه عمل همکاری مشترک میان کشوری مربوطه به شرح فوق‌الذکر را مطرح کرده بود. نک: «طرح ضرغامی برای مقابله با قاچاق و غارت اموال تمدن‌های کهن، خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا، آذر ۱۳۰۱، کد خبر ۱۴۰۱۰۹۱۳۰۸۵۹۲.

فراهم سازد. با وجود اینکه برخی از کشورهای صاحب تمدن به عضویت کنوانسیون درآمده‌اند اما این کشورها نیز همچون ایران، قربانی تاراج میراث فرهنگی خود هستند.<sup>۱</sup> لذا با توجه به منافع و دیدگاه‌های مشترک، احتمال هم‌سویی این کشورها در زمینه فوق وجود دارد.

### پیش نویس ماده واحده لایحه تشکیل کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی مسروقه ایران

**ماده واحده:** در اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند «۸» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۷، برای ساماندهی اقدام‌های استرداد اموال فرهنگی - تاریخی، پایش و پیگیری نگهداری و خرید و فروش اموال ایرانی در خارج از کشور و هماهنگی‌های داخلی و بین‌المللی مربوط به پیشگیری از قاچاق و خرید و فروش اموال ایرانی، دولت مکلف است کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایران را با عضویت وزارت‌های میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، امور خارجه، کشور، اطلاعات، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و نیروی انتظامی، حداکثر ظرف یک سال پس از ابلاغ این قانون، ذیل معاونت حقوقی ریاست جمهوری تشکیل دهد.

**تبصره «۱»:** امور اجرایی استرداد اموال به عهده وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی است.

**تبصره «۲»:** برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت بر اقدام‌های اجرایی موضوع تبصره «۱» و همچنین پیشنهاد تصویب قوانین و مقررات لازم به مراجع ذیصلاح در این حوزه، به عهده کارگروه ملی است.

**تبصره «۳»:** کلیه اقدام‌های مربوط به تشکیل پایگاه اطلاع‌رسانی ملی اموال فرهنگی تاریخی کسری، مفقودی و مسروقه و بایگانی ملی اسناد و مدارک این اموال، هماهنگی‌های مربوط به امور استرداد و تهیه گزارش‌های دوره‌ای مورد نیاز کارگروه و تشکیل جلسات کارگروه و انتشار گزارش‌های هر یک از موارد استرداد مشترکاً با همکاری وزارت، به عهده کارگروه ملی استرداد اموال فرهنگی تاریخی مسروقه ایران است.

**تبصره «۴»:** سازمان برنامه و بودجه مکلف است اعتبارهای مورد نیاز برای استرداد اموال تاریخی فرهنگی را در قالب ردیفی در بودجه سنواتی وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی پیش‌بینی کند.

**تبصره «۵»:** آیین‌نامه اجرایی این قانون، حداکثر ظرف یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط کارگروه ملی موضوع این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۱. یکی از مصادیق بارز غارت میراث فرهنگی کشورهای صاحب تمدن، انتقال مجسمه‌های مرمرین معبد پارتنون یونان در سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۱۳ به بریتانیا است. در این زمان لرد الگین، سفیر بریتانیا نزد عثمانی، موافقت امپراتوری را که یونان را تحت سیطره خود داشت برای انتقال این آثار ارزشمند به بریتانیا کسب کرد. دولت بریتانیا در سال ۱۸۱۷ این مجسمه‌ها را به مبلغی کمتر از هزینه انتقال آنها به انگلستان از الگین خرید و به‌طور امانی به موزه بریتانیا منتقل کرد. یونان پس از استقلال، خواستار استرداد این گنجینه نفیس به خاستگاه خود شد. امروزه موضوع مرمرهای الگین، یکی از مناقشات میان دولت‌های یونان و بریتانیا است و مذاکرات و اقدام‌هایی در خصوص استرداد آنها به یونان در حال انجام است.



## منابع و مآخذ



- [۱] قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹.
- [۲] قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۷.
- [۳] قانون الحاق ایران به کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی، مصوب سال ۱۳۵۳.
- [۴] اصل (۸۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- [۵] قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیای فرهنگی مسروقه یا غیرقانونی خارج شده، مصوب سال ۱۳۷۹.
- [۶] آیین‌نامه حفاظت از میراث فرهنگی، مصوب شورای امنیت کشور، ۱۳۸۱.
- [۷] تاراج میراث ملی ایران، داود کریم‌لو، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۱.
- [۸] تاراج بزرگ، محمدقلی مجد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸.
- [۹] بررسی مسئولیت عمومی در قبال میراث فرهنگی و میراث طبیعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۱۹۸۹، تیر ۱۴۰۳.
- [۱۰] اظهار نظر کارشناسی درباره: ماده (۴) لایحه اهداف، وظایف و اختیارات وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی: وظایف حوزه میراث فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مسلسل ۲۰۰۴، شهریور ۱۴۰۳.
- [۱۱] «کاتالوگ نمایشگاه آجرهای لعابدار بوکان، استرداد از کشور سوئیس»، یوسف حسن‌زاده و جان کر تیس، انتشارات موزه ملی ایران.
- [۱۲] تاراج بزرگ، محمدقلی مجد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸.
- [۱۳] سفرنامه، خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۶-۱۸۸۴ از مادام ژان دیولافوا، ترجمه ایرج فره‌وشی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- [۱۴] استرداد ۴۹ قطعه آجر لعاب‌دار ۲۸۰۰ ساله از سوئیس به ایران، خبرگزاری تسنیم، ۳۰ آذر ۱۳۹۹.
- [۱۵] «ایران در برابر هر خریدار جدید سر سرباز هخامنشی اقدام قضایی می‌کند»، میراث آریا، ۲ آبان ۱۳۸۶، ۹ (۴۶). همچنین نک: «طی بیانیه‌ای عنوان شد؛ علاقمندان به میراث فرهنگی برای بازگرداندن سر سرباز هخامنشی تلاش کنند، خبرگزاری مهر، ۲ آبان ۱۳۸۶، ۱۸ (۲۱).
- [۱۶] «اظهار نظر کارشناسی درباره: ماده (۴) لایحه اهداف، وظایف و اختیارات وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی: وظایف حوزه میراث فرهنگی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۰۰۴، شهریور ۱۴۰۳.
- [۱۷] «طرح ضرغامی برای مقابله با قاچاق و غارت اموال تمدن‌های کهن»، خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا، ۱۳ آذر ۱۴۰۱، کد خبر ۱۴۰۱۰۹۱۳۰۸۵۹۲.

<https://tn.ai/2414214>



#### گزیده سیاستی

قوانین و رویه‌های اجرایی موجود کفایت لازم را در زمینه استرداد اموال فرهنگی – تاریخی مسروقه ایران ندارند. پیشنهاد این گزارش تصویب قانون، ایجاد کارگروه ملی استرداد و طرح یک گفت‌وگو بین‌المللی جهت ایجاد قواعد بین‌المللی است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [rc.majles.ir](http://rc.majles.ir)